

دولت پاسخگو باشد
محمد عطریان‌فررویارویی دروین
تحركات جديد ترونيكاي اروپاييورشكستگي آبي ايران
درباره هشدارهاي كاوه مدني

وزیر صلح باشید نه وزیر جنگ

سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه می‌تواند در مشورت با دیپلمات‌های دیگر، راهی برای پایان دادن به وضعیت «نه جنگ، نه صلح» که از جنگ بدتر است و موجب بی‌ثباتی اجتماعی شده است، بیابد جامعه دیپلماسی ایران نیز می‌تواند، راهی سوم میان جنگ و تسلیم را پیش پای دولت قرار دهد و اصلاح‌طلبان و اصولگرایان معتدل می‌توانند، یاریگر وزارت امور خارجه باشند

محمد قوچانی
محمد مهاجری
علیرضا معزی

از نخستین روز تشکیل دولت چهاردهم با انتخاب طبیعی و قابل پیش‌بینی سیدعباس عراقچی به‌عنوان وزیر امور خارجه روشن بود او چهره دوم کابینه پس از رئیس‌جمهور است. این موقعیت نه صرفاً به سبب شخص وزیر که به سبب اهمیت نهاد وزارت خارجه به‌خصوص در موقعیت کنونی کشور است. از زمان تشدید مساله هسته‌ای ایران، وزارت امور خارجه به مهم‌ترین نهاد دولت ایران بدل شده است و این اهمیت در دولت‌های یازدهم و دوازدهم با وزارت محمدجواد ظریف تقویت شد. حتی مرحوم امیرعبداللهیان هم در دولت سیزدهم چنین جایگاهی داشت چراکه تا زمان حل مساله هسته‌ای ایران و پایان دادن به وضعیت «نه جنگ، نه صلح» نهاد دیپلماسی بر همه نهادهای دیگر چیرگی دارد. همه مسائل کشور از رشد و رفاه و توسعه و حتی فرهنگ و دانش و آموزش و آب‌وهوا و... هم متأسفانه به دیپلماسی گره خورده است.

از این‌رو در انتخاب آقای پزشکیان هم مساله زمانی اوج گرفت که گروه سیاست خارجی او روشن شد و تیم برجام شامل آقایان ظریف، عراقچی و تخت‌روانچی به ستاد او پیوستند. دولت چهاردهم هم از روز اول زیر سایه جنگ بوده است. از روز تحلیف که اسماعیل هنیه در تهران ترور شد تا تجاوز اسرائیل به ایران و اکنون که ضرورت بازگشت به دیپلماسی بیش از همیشه احساس می‌شود.

ادامه در صفحه ۲

به دنبال ستاره

۱۰ روز از کم‌شدن ستاره حیدری دختر ۱۷ساله آبادانی گذشت. پدر او در گفت‌وگو با سازندگی از چگونگی کم‌شدن دخترش می‌گوید



یادداشت روز

با مردم، به سمت اصلاحات

اقتصاد، نیازمند اصلاحات ساختاری است



یدالله طاهرنژاد

عضو شورای مرکزی و معاون اجتماعی دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی ایران

اقتصاد ایران در شرایط بسیار حساسی قرار دارد که می‌طلبد متولیان بخش اقتصادی کشور، تدابیر ویژه‌ای را برای برون‌رفت از این وضعیت ناخوشایند بیندیشند. کاهش ارزش پول ملی، تورم بالا، قدرت خرید پایین و مآلاً کمبود شدید نقدینگی نگرانی‌ها، موجبات نگرانی جدی در حوزه‌های عمومی و اقتصادی فراهم کرده که باید با تدابیر ویژه این وضعیت نگران‌کننده را التیام بخشید. آنچه امروز در بین متولیان اقتصادی کشور مشاهده می‌شود، نوبت تفکر و تأمل جدی در اوضاع جاری را نمی‌دهد و این امر از اصل شرایط ویژه اقتصادی نگران‌کننده‌تر است! شعارهای زیبا و جذاب در خصوص کاهش حجم دولت، کاهش هزینه‌های دولت، کاهش تصدی‌گری دولت و کاهش دخالت دولت در امر اقتصاد داده می‌شود اما در عمل هیچ نسخه شفابخشی تاکنون در اجرای این شعارهای زیبا و جذاب ارائه نشده تا افکار عمومی اطمینان پیدا کند که قوه عاقله‌ای درصدد اجرای برنامه‌های اثربخش در رفع موانع رونق اقتصادی کشور و توسعه فعالیت بخش خصوصی است! به‌عکس موانع متعدد گوناگونی نیز در سیر حرکت بخش خصوصی ایجاد شده که در این مقال بنا به توضیح آنها ندارم. اگر دولت محترم به دنبال ثبات اقتصادی و ایجاد آرامش در بازار است، اولین قدم دوری از سخنان هیجانی و هیجان در سیاست‌گذاری است و در عین حال ایجاد شفافیت اطلاع‌رسانی دقیق و به موقع و برداشتن گام‌های عملی در جهت خصوصی‌سازی واقعی است که می‌تواند، بخشی از نگرانی‌های فعالان اقتصادی و اقشار مختلف مردم را کاهش دهد. در عین حال نباید از ظرفیت‌های دیپلماسی کشور غفلت و از به کارگیری آنها پرہیز کنیم چراکه هرگونه کاهش تش در سطح منطقه و فرامنطقه‌ای می‌تواند، موجب ایجاد آرامش در بازار و فضای کسب‌وکار شود. موضوع دیگری که باید در نظر داشت کارگیری عناصری است که سابقه روشنی در حوزه‌های سیاسی و اقتصادی داشته‌اند. چرا هنوز گرفتار محدودیت‌های ذهنی خودساخته‌ایم و از این ظرفیت بزرگ ملی بی‌بهره مانده‌ایم؟! وقت آن است که از این پتانسیل ارزشمند، بهره گرفته و از دانش و تجربه آنان در ساماندهی وضعیت اقتصادی ناپایدار فعلی فاصله بگیریم و با ایجاد اصلاحات ساختاری در اقتصاد، زمینه ارتقای معیشت و آرامش جامعه را فراهم کنیم. جنگ ۱۲ روزه نشان داد که دل‌سوختگان ایران در شرایط سخت آماده همکاری و فداکاری‌اند، از این تجربه گران‌سنگ استفاده کنیم تا در آینده دچار خسران و حسرت نشویم. متولیان اداره امور کشور که خود نیز به حجم نارضایتی جامعه از وضع موجود معترف‌اند باید با آسیب‌شناسی دقیق این پدیده در جهت اصلاح مسیر و ارتقای رضایت عمومی تدبیر و تلاش کنند. شرایط حاکم بر اقتصاد کشور باعث تحلیل زیرساخت‌های اقتصادی موجود و فرسایش بیش از پیش روح و روان فعالان اقتصادی و کاهش تولید و مآلاً افزایش لجام‌گسیخته قیمت‌ها خواهد شد و این چیزی نیست که دولت از آن غافل باشد. بنابراین باید با اقدامات فوری اعتمادساز و امیدآفرین بستر تشدید فعالیت‌های اقتصادی را فراهم کرد که این امر جز با مانع‌زدایی از مقررات خصوصی‌سازی و تقویت بخش خصوصی واقعی میسر نمی‌شود. بررسی و ارزیابی عملکرد بخش‌های غیردولتی و به اصطلاح رایج خصوصی‌ها نشان می‌دهد که این راهبرد در خصوصی‌سازی، توفیقات مورد انتظار را حازن نبوده بلکه بسترساز ناترازی‌های جدی در رقابت سالم، فعالیت سالم و پیشرفت واقعی را فراهم کرده است. با این حال نظر به اینکه ادامه وضع موجود می‌تواند به شرایط بسیار تلخ و غیرقابل بازگشتی منتهی شود و شرایط اقتصاد و معیشت مردم را در تنگنای شدیدتری قرار داده و عدم رضایتمندی بیشتری را موجب شود، دست به کار شوید و اصلاحات ساختاری به دور از هیاهو و هیجان را در اقتصاد ایران آغاز کنید! نگران واکنش جامعه نباشیم، اگر مردم باور کنند که حسن‌نیت و صداقت و شفافیت و عدالت در گفتار و رفتار ماست بی‌شک ما را در این مسیر همراهی خواهند کرد و البته فقط و فقط با حمایت و همراهی مردم این مسیر صعب‌العبور قابل پیمودن است. بدیهی است، مدعیان پر سروصدایی هستند که از شرایط موجود منافعی دارند و از دست دادن آن برایشان سخت و غیرقابل تحمل است اما تحمل اکثریت ملت بر بی‌قراری آن عده قلیل رجحان دارد و سروصدای آنان ره به جایی نمی‌برد. اگر با مردم به سمت اصلاحات و آرامش در اقتصاد حرکت کنید به فضل خدای متعال به نتیجه خواهید رسید.

سیاست

دولت پاسخگو باشد

عطریان‌فر: هیچ موفقیتی بدون انسجام ملی حاصل نخواهد شد



محمد عطریان‌فر، عضو شورای مرکزی و معاون سیاسی دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی ایران طی روزهای اخیر در گفت‌وگو با ایرنا درباره افزایش هجمه‌ها علیه شخصیت‌ها و سران کشور از جمله رئیس‌جمهور و مطرح شدن بحث استعفای پزشکیان از سوی برخی افراد و گروه‌های سیاسی گفت: مقوله‌ای به نام استعفای رئیس‌جمهور بیشتر یک طنز است، هیچ واقعیت تاریخی‌ای ندارد و در چارچوب سیاست‌های کلی نظام نیز پذیرفته‌شده، نیست. شخصیتی که وارد عرصه مدیریت اجرایی کشور می‌شود، مسئولیتی را می‌پذیرد و رأی از ملت می‌گیرد باید با تمام توان خود در چارچوب امکانات و مقدورات کشور تلاش کند و با اجرای اهداف و برنامه‌های خود باری از دوش زندگی مردم بردارد. عطریان‌فر با بیان اینکه آقای پزشکیان نیز در شرایط امروز کشور در همین وضعیت قرار دارند، افزود: هیچ‌گاه داستانی به نام استعفا معنا ندارد چراکه یک رئیس‌جمهور وقتی مسئول می‌شود و رأی می‌گیرد، تمام قدرت ملی کشور در اختیارش نیست؛ بخشی از ماجرا در اختیار اوست. این فعال سیاسی و رسانه‌ای اصلاح‌طلب با اشرار به اینکه قدرت رئیس‌جمهور تنها بخشی از یک پازل است و بخش‌های دیگری از قدرت نظام در اختیار دیگران و مجموعه‌ای از دستگاه‌های حاکمیتی قرار دارد؛ گفت: به‌طور طبیعی رئیس‌جمهوری که در چارچوب همکاری و همراهی با سایر بخش‌ها عمل کند، هرگز مقوله‌ای به نام استعفا برایش معنا پیدا نمی‌کند. عطریان‌فر با بیان اینکه اصلاح‌طلبان هیچ‌گاه استعفا و کناره‌گیری از قدرت را به آقای پزشکیان توصیه نکرده و نمی‌کنند، تصریح کرد: اتفاقاً تلاش اصلاح‌طلبان بر این استوار است که به رئیس‌جمهور توصیه کنند همچنان مقتدرانه به فعالیت خود ادامه دهد، از حداکثر اختیارات خود بهره‌برد، ظرفیت‌هایی که در اختیار دارد به کار گیرد، محدودیت‌ها را مرتفع سازد و بتواند با قاطعیت گامی به‌سوی بهبود وضعیت کشور بردارد. وی در تشریح موضع حزب کارگزاران سازندگی ایران درباره عملکرد دولت چهاردهم اظهار کرد: عملکرد ریاست‌جمهوری در واقع به‌گونه‌ای نیست که بخواهیم با یک مقیاس می‌بنا، بدون شاخص و معیار، آن را بسنجیم. زمانی که شما می‌خواهید داوری کنید و بر پایه داوری و قضاوتی که دارید، در مورد عملکردها سخن بگویید باید شاخص داشته باشید. عضو شورای مرکزی حزب کارگزاران سازندگی ادامه داد: دولت با توجه به محدودیت‌ها و موانعی که در طول سال گذشته با آن مواجه بوده و تأثیرات منفی که تحت تأثیر تحریم‌ها پذیرفته در حال حاضر شاخصی به آن معنا در اختیار ندارد که بتوان بر اساس آن قضاوت و داوری قطعی انجام داد. عطریان‌فر با بیان اینکه آنچه به صورت یک امر خیرخواهانه از سوی دوستان ما در حزب کارگزاران سازندگی در مورد دولت چهاردهم مطرح می‌شود این است که دولت، ضرورتاً و در حد اقتدار و اختیاری که دارد باید انسجام داخلی خود را تقویت کند، خاطر‌نشان کرد: رئیس‌جمهور باید نظارتش را بر عملکرد وزرای خود و رؤسای سازمان‌های مهم دولتی افزایش دهد، اگر ضعف و ناکارآمدی در مجموعه دولت مشاهده می‌کند به آن بپردازد و حداقل در چارچوب اختیاراتش باید نظارت و امر پاسخگویی را از آنها مطالبه کند. این حداقل انتظاری است که از ایشان داریم. وی تأکید کرد: ما در حزب کارگزاران سازندگی بر این باوریم که دولت باید پاسخگو باشد و انتظاراتی که مورد توقع جامعه است و در چارچوب اختیارات دولت نیز قرار دارد را برآورده کند. متأسفانه بنا به دلایلی، انتظارها از دولت وفاق ملی آن‌گونه که بود، برآورده نشده و اهداف و وعده‌ها هنوز محقق نشده است. این فعال سیاسی اصلاح‌طلب در ارزیابی خود از حفظ انسجام و وحدت ملی در شرایط نه جنگ و نه صلح که کشور در آن قرار دارد، گفت: این یک امر کاملاً طبیعی است که چه قبل از جنگ، چه در دوران جنگ و چه پس از آن همواره باید بر پایه ارتباطی تنگاتنگ بین مردم و حاکمیت و انسجام داخلی، تأمین‌کننده منافع مردم باشیم. عطریان‌فر با تأکید بر اینکه هیچ امر موافی خارج از انسجام ملی صورت نمی‌گیرد، اضافه کرد: ما ضرورتاً باید همدل، هماهنگ و هم‌فکر باشیم و از دل این میدان هماهنگی است که انسجام و هم‌افزایی پدید می‌آید؛ هم‌افزایی که به نفع مردم، جامعه و کشور است.

كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا قَانٍ

هم‌اندیش ارجمند

سرکار خاتم سیده‌خدیدجه توفیقیان

عضو محترم هیات‌رئیس‌ه سازمان زنان

حزب کارگزاران سازندگی ایران

مراتب تسلیت ما را پذیرا باشید.

روحشان قرین رحمت واسعه الهی

و خلد برین سرائشان باد.

روابط عمومی حزب کارگزاران سازندگی ایران

میهن

بررسی رویدادهای سیاسی

ادامه تیتیر یک

وزیر صلح باشید، نه وزیر جنگ

دوم سیدعباس عراقچی تاکنون دست‌کم سه بار ایران را از جنگ دور کرده است: ۱- پس از ترور رهبر حماس در تهران؛ ۲- پس از سقوط بشار اسد در سوریه؛ ۳- پس از پیشنهاد آتش‌بس با اسرائیل. احتمالاً بخشی از این روایت به دلایل امنیتی مکتوم مانده است و وزیر امور خارجه باید روزی آن را بازگو کند؛ اما همگان به یاد دارند که در شرایط ترور فرماندهان و دانشمندان و شهروندان و ضرورت حفاظت از سران قوا، این وزیر امور خارجه بود که در این آسمان ناامن از کشوری به کشوری دیگر می‌رفت و در همین دوران با هماهنگی سران حاکمیت و دولت و در هماهنگی دیپلماسی و میدان، زمینه آتش‌بس را فراهم کرد که گرچه وظیفه ذاتی وزیر امور خارجه بود اما نشان از اعتماد به‌نفس سیدعباس عراقچی داشت.

سوم با وجود این پس از جنگ سه جریان به تخریب وزیر امور خارجه پرداختند:

۱ تندروهای بنیادگرایی که هرگز عراقچی را به سبب برجام نمی‌بخشند و نقش او را در پیشنهاد و پیشبرد مذاکرات غیرمستقیم اخیر در تداوم تجربه برجام می‌دانند و اگر حمایت رهبری نبود در مجلس و دیگر نهادهای عالی امنیتی علیه عراقچی شمشیر از نیام می‌کشیدند. همان‌ها که اخیراً عراقچی خطاب به ایشان یادآور شد که نمی‌توان هم به اسنپ‌بک اعتراض کرد وهم منتقد برجام بود!

۲ تندروهای تجدیدنظرطلب که مذاکره را کافی نمی‌دانند و قائل به تسلیم هستند و می‌خواهند با بالا بردن دست‌ها به صلحی ناپایدار برسند چراکه صلح پایدار فقط با بازدارندگی به دست می‌آید و نه چنانکه ترامپ خواسته است، تسلیم بی‌قیدوشرط که زمینه جنگی دیگر را فراهم می‌کند.

۳ دشمنان ایران به‌خصوص صهیونیست‌ها که با هرگونه مصالحه میان ایران و غرب حتی آمریکا مخالف هستند و در رأس آنان بنیامین نتانیاهو قرار دارد که افتخارش نابودی برجام و طبیعتاً برجامیونی چون سیدعباس عراقچی است و به همین سبب به‌جز فرماندهان نظامی و دانشمندان هسته‌ای، دنبال نابودی دیپلمات‌های ایران هم هست.

چهارم تنها راه مقابله با این مثلث تخریب، احیای دیپلماسی در نهاد دیپلماسی به عنوان قوه عاقله دولت و حاکمیت است. سیدعباس عراقچی نسبت به اسلاف صالح خود این فضیلت را دارد که هم امید ملت پشت‌سر اوست و هم اعتماد حاکمیت. این موازنه مثبت نباید به هیچ‌وجه مخدوش شود. همه ما می‌دانیم که سیاست خارجی ایران در نهادهای بالادستی حاکمیت ازجمله شورای عالی امنیت ملی تعیین می‌شود و وزارت امور خارجه، مجری سیاست خارجی کشور است، البته وزیر امور خارجه می‌تواند هم در تصمیم‌سازی نقش داشته باشد و هم در تصمیم‌گیری ایفای نقش کند و این با موقعیت او در کلیت حاکمیت نسبت دارد. به‌عنوان مثال وزیری مانند عراقچی باید جامع موقعیت دو وزیر قبل از خود باشد تا بتواند، میدان و دیپلماسی را با هم همراه کند چنانکه هم آغاز مذاکره با آمریکا و هم اعلام آتش‌بس با اسرائیل واجد چنین جامعیتی بود. این جامعیت باید با خلاقیت در شرایط پساچنگ ادامه یابد. ملت از وزیر خارجه انتظار دارد که «وزیر صلح» باشد نه «وزیر جنگ»! و البته صلحی پایدار است که مقتدرانه، عزتمندانه و شرافتمندانه باشد. عراقچی می‌تواند در مشورت با دیپلمات‌های دیگر، راهی برای پایان دادن به وضعیت «نه صلح، نه جنگ» بیابد که از جنگ بدتر است و موجب بی‌ثباتی اجتماعی شده است. بدیهی است، مقصود از راه جدید نه تسلیم و نه حتی «مذاکره برای مذاکره» که مصالحه‌ای مبتنی بر مصالح ملی است. حفظ دانش هسته‌ای و توان بازدارندگی ایران در رأس این مصالحه است تا ایران بتواند، جلوی جنگی دیگر را بگیرد. به نظر ما جامعه دیپلماسی ایران این توان را دارد که بتواند راهی سوم میان جنگ و تسلیم را پیش پای دولت قرار دهد؛ و در این راه اصلاح‌طلبان و اصولگرایان معتدل می‌توانند، یاریگر وزارت امور خارجه باشند. باید با نقد و نظرهای معقول به دولت پیشنهادهای برای عبور از این گره دیپلماتیک داد و به جای هدف قرار دادن شخص به تقویت نهاد دیپلماسی کشور پرداخت. راه‌حل‌های فنی برای سه مساله غنی‌سازی، بازدارندگی موشکی و مسائل منطقه‌ای به جای توصیه‌های کلی و راه‌حل‌های تخیلی، می‌تواند در دستورکار احزاب و جناح‌های سیاسی کشور قرار گیرد.

پنجم سیدعباس عراقچی یک دیپلمات حرفه‌ای است که عضو هیچ جناح سیاسی نیست و این قاعده و قانون وزارت خارجه است که اعضای آن نمی‌توانند، عضو احزاب سیاسی شوند چراکه سیاست خارجی در زمره امور ملی است. وزیر امور خارجه کارگزار امر ملی است اما قبل از کارگزاری باید کارشناس هم باشد و نظر کارشناسی و حرفه‌ای خود را به‌عنوان یک تکنوکرات یا فن‌سالار به حاکمیت و دولت ارائه کند. یافتن راهکار «مذاکره غیرمستقیم با آمریکا» در برابر دعوت مستقیم این کشور از ایران برای مذاکرات یکی از همین ابتکارات بود که نشان می‌دهد، فرق می‌کند چه کسی وزیر امور خارجه باشد، وقتی که به نظر می‌رسید، باب مذاکره مسدود است. آگاه باشیم مذاکره غیرمستقیم در شرایط امتناع مذاکره طرح شد و نه در برابر مذاکره مستقیم. اکنون نیز که اسرائیل سپس آمریکا، میز مذاکره را بمباران کرده‌اند در کنار فرماندهانی که باید با آسیب‌شناسی جنگ غافلگیرانه دشمن، آماده دفاع باشند این مسئولیت دیپلمات‌هایی چون عراقچی است که راه خروج از بن‌بست را بیابند. گرچه سفرهای استانی وزیر امور خارجه برای تقویت دیپلماسی منطقه‌ای ایران با همسایگانش برای شکستن حلقه محاصره ضروری است و بخش خصوصی ایران بیش از هر نهاد دیگری از این ابتکار حمایت می‌کند اما سیر انفس جای سیر آفاق را پر نمی‌کند! باید همزمان با دیپلماسی داخله، دیپلماسی خارجه را هم احیا کرد.

عراقچی البته قبل و بعد از جنگ، هرگز دیپلماسی را تعطیل نکرده است. گرچه او ناگزیر از پشت میز مذاکره بلند شده اما همچنان «پشت خط» مذاکره نشسته است و آن سوی خط، افرادی از سطح معاون رئیس‌جمهور آمریکا تا نماینده ویژه دونالد ترامپ پشت خط در انتظارند؛ اما امروز مساله «اصل» مذاکره نیست، «نوع» مذاکره است. اینکه «نتیجه» مذاکره قبل از مذاکره روشن باشد، مذاکره نیست، تسلیم است. باید کاری کرد که نتیجه مذاکره پس از آن روشن شود نه قبل از آن؛ و این پاسخی بود که عراقچی به ویتکاف قبل از سوار شدن به هواپیمایی داد که راهی نیویورک بود. بیان درست خلف وعده آمریکا برای جلوگیری از اسنپ‌بک(نه روایت رمانتیکی که سخنگوی دولت داد) می‌توانست به دولت کمک کند که به ملت ثابت کند در برابر نابودی برجام منفعل نبود و هر کاری کرد که تحریم‌های سازمان ملل بازنگردد. همچنان که با رازینی با روس و چین، صف‌آرایی تازه‌ای در نظام بین‌الملل شکل گرفته است. این رازینی‌ها البته لازم است اما کافی نیست. باید همزمان با یاری جستن از شرق در غرب هم رخنه انداخت و نگذاشت اسرائیل از مستعمره غرب به استعمارگر غرب بدل شود و آمریکا را بیش از این به آلت فعل خود بدل کند.

ششم در روزهای اخیر، نگاه جامعه به وزارت خارجه با ترکیبی از واقع‌گرایی و انتظار همراه شده است. انتظاری که نه محصول هیجان سیاسی بلکه برآمده از تجربه‌ای طولانی و چندلایه با مسیرهای سخت مذاکره است. جایگاه عباس عراقچی در این میان بیش از آنکه محصول تغییر صحنه باشد حاصل انباشتی از تجربه‌هایی است که مردم طی سال‌ها از او و همکارانش دیده‌اند. در روایت‌های مختلف از مذاکرات ازجمله در خاطرات و یلیم جی. برنز- دیپلماتی که نه از منظر دوستانه بلکه از جایگاه «طرف مقابل» سخن می‌گوید- چند نکته برجسته است. برنز میان‌هیات‌های ایرانی تفاوت قائل می‌شود: برخی مذاکره‌ها در بن‌بست می‌ماند و راهی به پیش نمی‌برد؛ برخی مذاکره‌کنندگان نیت حل مسئله داشتند اما ابزار کافی در اختیارشان نبود؛ اما وقتی به عراقچی و روانچی می‌رسد، تصویری از دو دیپلمات ایرانی ارائه می‌دهد که در عین سخت‌گیری و بدبینی محتاطانه نسبت به‌طرف مقابل، در یافتن راه‌حل‌ها، خلاق و منعطف بودند. آنان به‌زعم او «هم متعهد و وطن‌دوست بودند و هم در چارچوب دیپلماسی پیچیده، توان باز کردن گره‌ها را داشتند».

تجربه زیسته مردم از سال‌های پر تنش گذشته و این نوع شهادت‌های غیرقابل انکار از سوی مقاماتی چون برنز، امروز انتظاری روشن و منطقی ساخته است: اگر کسی قرار است، سیاست خارجی ایران را وارد دور تازه‌ای کند، او باید بتواند بار این انتظار را به دوش بکشد. بر همین مبنا چهار مطالبه اساسی را می‌توان به عنوان نقشه ذهنی جامعه ترسیم کرد:

۱ **معامله‌گری مؤثر؛ نه صرفاً حضور در مذاکره**

مردم از عراقچی انتظار دارند، ظرفیت چانه‌زنی که در

مذاکرات پیشین نشان داده شد اکنون در مقیاسی وسیع‌تر و سازمان‌یافته‌تر به کار گرفته شود. انتظار این است که مذاکره تنها به «فرآیند» تبدیل نشود و ابزار حل مساله باشد با خروجی ملموس و سنجش‌پذیر: کاهش هزینه‌های سیاست خارجی، کاهش تنش‌های غیرضروری و بازگرداندن بخشی از ثبات اقتصادی که مستقیم از روابط خارجی تأثیر می‌گیرد. مردم به تجربه دریافته‌اند که دیپلماسی مؤثر الزاماً به معنای نرم بودن نیست؛ بلکه هنر تبدیل کردن فشارها و اختلاف‌ها به فرصت مذاکره است.

۲ تحول در زبان دیپلماسی

جامعه امروز نسبت به زبان سیاست خارجی، حساس‌تر از گذشته است. انتظار عمومی نه تغییر ادبیات بلکه شفافیت بیشتر است: بیانی که از اغراق فاصله بگیرد، از دوپهلوگویی پرهیز کند و تصویری دقیق‌تر از مسیر مذاکرات به مردم بدهد. تحول در زبان، بازتاب تحول در ذهنیت دیپلماسی است؛ و اگر قرار است اعتماد عمومی احیا شود، نخست باید زبان سیاست خارجی به شهروندان آرامش و پیش‌بینی‌پذیری بیشتری منتقل کند. این همان حوزه‌ای است که مردم تصور می‌کنند عراقچی، با توجه به تجربه‌اش، توان ایجاد آن را دارد.

۳ بازسازی اعتماد عمومی

در سال‌های گذشته، اعتماد اجتماعی نسبت به فرآیندهای مذاکره آسیب دیده است؛ نه فقط به دلیل نتایج یا بن‌بست‌ها بلکه به دلیل ناهماهنگی روایت‌ها و فقدان توضیح روشن درباره محدودیت‌ها. انتظار مردم از وزیر خارجه جدید این است که تصویر شفاف‌تری از مسیر دیپلماسی ارائه کند؛ مرز توان و اختیار دستگاه سیاست خارجی را روشن سازد؛ و فضایی برای گفت‌وگوی صریح با افسکار عمومی ایجاد کند. گاهی حقیقت ترسناک است اما هراس‌انگیزتر از بیان حقیقت نامطلوب، کتمان حقیقت، دمیدن در «ابهام» و ارسال «پیام‌های متناقض» است. بازسازی اعتماد دقیقاً از همین نقطه آغاز می‌شود.

۴ انتظار عقلانیت؛ نه انتظار معجزه

جامعه امروز واقع‌بین‌تر از همیشه است. هیچ‌کس انتظار ندارد، سیاست خارجی در مدتی کوتاه از تمام چالش‌هایش عبور کند. اما یک انتظار مشترک وجود دارد: حرکت در مسیر عقلانی‌تر، قابل محاسبه‌تر و کم‌ریسک‌تر. عقلانیت در سیاست خارجی یعنی تصمیم‌هایی که هزینه‌های آن سنجیده باشد و مسیر کلی کشور از دام واکنش‌های لحظه‌ای و سیاست‌های غیرقابل پیش‌بینی دور شود. این همان انتظاری است که مردم به درستی به توان تجربه شده عراقچی نسبت می‌دهند. درمجموع، انتظارات مردم از وزیر خارجه جدید نه رمانتیک است و نه فراتر از توان. آنچه جامعه می‌خواهد، ترکیبی است از تجربه، شفافیت، عقلانیت و توان چانه‌زنی؛ مجموعه‌ای که عراقچی در سال‌های گذشته، نشانه‌هایی از آن را بروز داده است. اکنون پرسش اصلی نه درباره امکان این مسیر که درباره نحوه سازمان‌دهی آن در سطح وزارت خارجه است.

این لحظه برای سیاست خارجی ایران، بزنگاهی است برای بازتعریف نقش و تصویر خود؛ نقشی که با کارآمدی و توان حل مساله سنجیده شود و تصویری که در تکاپو و تمنای بهبود کیفیت زندگی، تأمین منافع ملت ایران و پیش‌بینی‌پذیر کردن آینده ایران دیده شود.

هفتم گرچه هر کس پرونده هسته‌ای ایران را به ساحل آرامش برساند، درخور عنایت ملت ایران است اما به نظر می‌رسد که سیدعباس عراقچی، انگیزه‌ای برای دوختن کلاه‌سی از این نم‌د برای خود ندارد. این نکته را می‌توان از حجب سیاسی و پرهیز او از نزدیکی به جناح‌های سیاسی فهمید که موجب اعتماد نظام هم شده است. چراکه شرایط کشور چنان خطرناک است که پروراندن چنین خیالات خامی دور از قوت و فتانت است.

با وجود این بدون‌شک دعای ملت ایران بدرقه راه سیاستمداری خواهد بود که ایران را از این دوگانه «نه صلح، نه جنگ» عبور دهد و این کم توفیقی نیست. به شرط آنکه همه از این دوگانه‌های «راست و چپ»، «اصولگرا و اصلاح‌طلب» و «حاکمیت و دولت» عبور کنیم و فقط به یک دیپلماسی ملی فکر کنیم. باید از سیاست داخلی به سیاست خارجی بازگردیم ...

مخمصه بی بی سی

ترامپ درخواست غرامت کرد

گروه بین‌الملل: تنش میان دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا و شبکه «بی‌بی‌سی» به نقطه‌ای پرحاشیه و بی‌سابقه رسیده است که می‌تواند به یک مناقشه حقوقی بین‌المللی پرهزینه تبدیل شود. این اختلاف، ریشه در مناقشه‌ای بر سر صحت حرفه‌ای روزنامه‌نگاری و ادعای جانبداری سیاسی دارد و در عین حال نشان‌دهنده چالش‌های رسانه‌های جهانی در دوران اخبار جعلی و قطبی‌شده است.

مستند جنجالی «ترامپ: فرصتی دوباره؟» از مجموعه «پانوراما» بی‌بی‌سی که پیش از انتخابات ۲۰۲۴ آمریکا پخش شد، محور این بحران بود. در این برنامه، دو بخش متفاوت از سخنرانی ترامپ در ۶ ژانویه ۲۰۲۱ به‌طور نامناسب به هم متصل شده بود: بخشی که ترامپ حامیان خود را به راهپیمایی به سمت ساختمان کنگره فرا می‌خواند و بخشی دیگر که بسیار بعدتر بود و او از آنها می‌خواست «مثل جهنم بجنگند». این ویرایش باعث شد، برداشت نادرستی ایجاد شود که گویا ترامپ به‌طور مستقیم و پیوسته حامیان را به خشونت تشویق کرده است، موضوعی که در زمان خود بازتاب‌های گسترده‌ای در رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی داشت. جنجال مستند با انتشار مشابه و بدون اصلاح در برنامه «نیوزنایت» تشدید شد و در نهایت به استعفای مدیران

ارشد بی‌بی‌سی انجامید: از جمله تیم دیوی، مدیرکل شبکه و دبورا ترنس، مدیرعامل بخش نیوز. همچنین سمیر شاه، رئیس هیات مدیره بی‌بی‌سی به‌صورت شخصی از ترامپ عذرخواهی کرد تا نشان دهد، شبکه متوجه اشتباه خود شده است. با این حال این عذرخواهی رسمی برای ترامپ کافی نبود و او به دنبال جبران خسارت مالی و حیثیتی نیز شد. تیم حقوقی ترامپ خواستار عقب‌نشینی کامل، عذرخواهی عمومی و پرداخت «جبران خسارت مناسب» شد. ترامپ ابتدا تهدید کرد که برای «حداقل ۱ میلیارد دلار» شکایت خواهد کرد سپس رقم را تا ۵ میلیارد دلار (۳.۸ میلیارد پوند) افزایش داد و بی‌بی‌سی را به «فریبکاری» و تغییر کلامش متهم کرد. بی‌بی‌سی در پاسخ ضمن عذرخواهی بابت «خطای قضاوت» و توافق برای عدم پخش دوباره ویدئوی گمراه‌کننده، درخواست جبران مالی را به‌طور کامل رد کرد و مدعی شد هیچ مبنای قانونی برای شکایت افترا وجود ندارد. شبکه همچنین تأکید کرد که مستند عمده‌ا در بریتانیا پخش شده و اثبات آسیب جدی حیثیتی در آمریکا دشوار است و نتیجه نهایی انتخابات، ادعای خسارت انتخاباتی ترامپ را تضعیف کرده است. برای ترامپ، این مناقشه بخشی از استراتژی تهاجمی او علیه رسانه‌هایی است که آنها را «خصمانه»

می‌نامد. او از این اتفاق به‌عنوان ابزاری برای تقویت ادعای خود درباره «اخبار ۱۰۰درصد جعلی» بهره می‌برد و سعی دارد، تصویر رسانه‌های جریان اصلی را در آذهان عمومی مخدوش کند. در مقابل برای بی‌بی‌سی که بودجه آن از طریق کمک‌های عمومی تأمین می‌شود این بحران موجی از انتقادهای شدید درباره جانبداری سیستماتیک تحریری ایجاد کرده و به منتقدانی که قصد دارند، حق دریافت هزینه عمومی و مأموریت بی‌طرفی شبکه را زیر سؤال ببرند، ابزار داده است. کارشناسان رسانه بر این باورند که این پرونده تنها یک دعوی حقوقی ساده نیست؛ بلکه آزمونی برای تعیین مرزهای مسئولیت رسانه‌های جهانی در انعکاس اخبار حساس سیاسی و نحوه پوشش رویدادهای پرتنش است. نتیجه آن می‌تواند تأثیر مستقیمی بر اعتماد عمومی،



استانداردهای حرفه‌ای روزنامه‌نگاری و نحوه تعامل رسانه‌ها با شخصیت‌های سیاسی جنجالی داشته باشد. همچنین ابعاد بین‌المللی این پرونده و ارقام میلیارد دلاری ادعایی، آن را به یکی از پیچیده‌ترین مناقشات رسانه‌ای و حقوقی سال‌های اخیر تبدیل کرده است. با نزدیک شدن به دادگاه‌ها، این پرونده فرصتی طلایی برای بررسی چگونگی تعادل میان آزادی مطبوعات، مسئولیت حرفه‌ای و شفافیت در گزارش اخبار حساس فراهم می‌کند، در حالی که ترامپ از آن به عنوان سکویی برای تبلیغ سیاست‌های خود و حمله به رسانه‌های مخالف استفاده می‌کند. در نهایت این پرونده نه تنها در سطح رسانه و قانون بلکه در سطح سیاست و افکار عمومی نیز دارای اهمیت بی‌سابقه‌ای است و احتمالاً سال‌ها مورد بحث و تحلیل خواهد بود.

انرژی هسته‌ای

رویارویی در وین

غربی‌ها دست به کار شدند

ابوالفضل خدایی

گروه بین‌الملل

همزمان با آغاز نشست تازه شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در روزهای ۲۸ تا ۳۰ آبان در وین، فضای سیاسی پیرامون پرونده هسته‌ای ایران بار دیگر پرتنش شده است. سه قدرت اروپایی آلمان، فرانسه و انگلیس با حمایت کامل ایالات متحده به‌دنبال تصویب قطعنامه‌ای تازه علیه تهران هستند؛ قطعنامه‌ای که اگرچه در ظاهر بر مسائل فنی و تعهدات هسته‌ای متمرکز است اما در واقع بازتاب‌دهنده استراتژی جدید غرب برای فشار بر موازنه قدرت در حال تغییر در جهان است.

پایان اعتبار قطعنامه ۲۲۳۱

برای نخستین‌بار پس از سال ۲۰۱۵ نشست فصلی شورای حکام بدون بررسی مفاد نظارتی مربوط به توافق هسته‌ای برگزار می‌شود. دلیل آن روشن است: قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت، که پایه حقوقی اجرای برجام بود، در ۲۶ مهر به پایان رسید. با این حال، سه کشور اروپایی تلاش می‌کنند با تکیه بر همین سازوکار منقضی شده، تعهدات جدیدی بر ایران تحمیل کنند. به گفته المیادین در پیش‌نویس قطعنامه جدید ادعا شده است که ایران طی ۵ ماه گذشته، اطلاعات مربوط به ذخایر اورانیوم خود را در اختیار آژانس قرار نداده و باید بلافاصله تمامی فعالیت‌های غنی‌سازی و تحقیق و توسعه را متوقف کند. در متن پیش‌نویس، مواردی چون ارائه گزارش‌های تازه از سوی رافائل گروسی درباره مکان، میزان و تجهیزات مرتبط با ذخایر اورانیوم ایران نیز گنجانده شده است؛ تقاضایی که تهران آن را خارج از حدود حقوقی آژانس و مبتنی بر قطعنامه‌ای می‌داند که دیگر وجود خارجی ندارد. در همین حال لومبرگ با مطرح کردن اینکه وضعیت برنامه هسته‌ای ایران از جمله شرایط و موقعیت ناشناخته ذخایر اورانیوم با خلوص بالای آن پس از حملات متجاوزانه آمریکا و اسرائیل به تأسیسات اتمی آن، یکی از موضوعات جلسه آتی شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی خواهد بود به نقل از دیپلمات‌ها نوشته، کشورهای غربی قرار است دستورالعمل جدیدی برای نظارت بازرسان آژانس در ایران تهیه کنند.

پاسخ تهران

«رضا نجفی»، نماینده دائم ایران در آژانس در واکنش به اقدام سه کشور اروپایی و آمریکا تأکید کرد که آنها می‌کوشند با سوءاستفاده از اکثریت عددی خود در شورای حکام، فشارهایی که نتوانستند در نیویورک اعمال کنند این بار در وین تحمیل کنند. نجفی با اشاره به اینکه تحمیل گزارش‌دهی بر مبنای قطعنامه‌های منقضی شده، اقدامی «کاملاً غیرقانونی» است، افزود: «این رویکرد نه تنها کمکی به دیپلماسی نمی‌کند بلکه پیچیدگی‌های موجود را تشدید هم خواهد کرد». او همچنین خاطر‌نشان کرد که وضعیت فعلی



اجرای پادمان در ایران، نتیجه مستقیم حمله‌های خرابکارانه آمریکا و اسرائیل به تأسیسات هسته‌ای و «مماشات اروپایی‌ها» است؛ حملاتی که بسیاری از سایت‌های هسته‌ای را از نظر فنی در شرایطی قرار داده که امکان بازرسی گسترده در آنها وجود ندارد.

توافقی که با «استنبیک» ناپود شد

غرب در حالی ایران را به عدم همکاری متهم می‌کند که تهران و آژانس تنها چند ماه پیش در قاهره بر سر چارچوب تازه‌ای برای بازرسی‌ها به توافق رسیده بودند. اما به گفته مقامات ایرانی، کشورهای غربی با تلاش برای فعال‌سازی استنبیک، سازوکاری که بر اساس ۲۲۳۱ تعریف شده و اکنون اعتبار حقوقی ندارد عملاً این توافق را بی‌اثر کردند. ایران نیز صریح اعلام کرده بود: در صورت فعال‌سازی استنبیک، توافق قاهره دیگر وجود نخواهد داشت. این چرخه تنش در شرایطی ادامه دارد که «الانرس نورمن» خبرنگار وال‌استریت ژورنال نیز تأیید کرده که احتمال صدور قطعنامه علیه ایران در روزهای آینده بسیار بالاست هرچند هنوز بحث ارجاع موضوع به شورای امنیت مطرح نیست. او می‌گوید: «فضا این است که به دیپلماسی زمان بدهیم». اما پشت صحنه دیپلماسی، تحرکات گسترده‌تری جریان دارد.

دلایل فشارهای غرب

۱- ابزارسازی از پرونده هسته‌ای برای مهار محور تهران-مسکو-پکن: در ماه‌های اخیر، تمرکز غرب بر برنامه هسته‌ای ایران تنها یک دغدغه فنی نبوده بلکه بخشی از استراتژی گسترده‌تر برای محدودسازی همکاری‌های ایران با روسیه و چین است. تهران نه‌تنها تأمین‌کننده پهپادها و برخی تجهیزات فناوریانه برای مسکو در جنگ اوکراین است بلکه بنا بر گزارش‌های غربی با چین نیز همکاری‌هایی برای دور زدن تحریم‌ها دارد. بنابراین غرب برنامه هسته‌ای ایران را بخشی از شبکه بزرگ‌تری از همکاری‌های استراتژیک می‌بیند و فشار بر تهران را ابزاری برای تضعیف این محور.

۲- استفاده از گزارش‌های آژانس به عنوان اهرم فشار سیاسی: در هفته‌های گذشته، رسانه‌های غربی بارها به گزارش‌هایی اشاره کرده‌اند مبنی بر اینکه ایران پس از حملات هوایی سال ۲۰۲۵

توانسته، ذخایر اورانیوم ۶۰ درصدی خود را بازسازی کند. ذخایری که به ادعای آنها می‌تواند برای ساخت ۱۰ تا ۱۱ سلاح هسته‌ای کافی باشد. این ارقام، خواه واقع‌بینانه باشند یا اغراق‌آمیز، در فضای سیاسی نقش مهمی ایفا می‌کنند. غرب می‌کوشد از نگرانی‌ها درباره این ذخایر برای افزایش انزوی ایران و بالا بردن هزینه‌های حمایت روسیه و چین از تهران استفاده کند.

۳- پیوند دادن موضوع ایران با بحران‌های بین‌المللی: بیانیه‌های اخیر گروه هفت (G۷) نیز نشان می‌دهد که غرب به دنبال پیوند زدن برنامه هسته‌ای ایران با چالش‌های جهانی مانند جنگ اوکراین یا تنش در دریای جنوبی چین است. این پیوندسازی، زمینه را برای اعمال تحریم‌های جدید علیه شرکت‌های چینی و دیگر متحدان ایران فراهم می‌کند.

۴- تلاش برای بازگرداندن موازنه قدرت به سود غرب: به باور تحلیلگران غربی از جمله کارشناسان شورای روابط خارجی آمریکا، همکاری‌های ایران با روسیه در حوزه پهپادها و حضور تهران در معادلات منطقه‌ای، باعث شده «موازنه قدرت جهانی به سمت وضعیت سه‌قطبی» (غرب، محور روسیه-چین و ایران به عنوان بازوی منطقه‌ای) حرکت کند.

به همین دلیل استراتژی غرب این است که با فشار بر ایران، موازنه را دوباره به سود خود بدون ورود به یک درگیری مستقیم تغییر دهد.

آینده نشست وین

با وجود فشارها، برخی ناظران معتقدند که قطعنامه احتمالی در نشست وین بیش از آنکه اثر حقوقی داشته باشد، پیامی سیاسی خواهد داشت. هنوز هیچ بحث جدی درباره «ارجاع پرونده به شورای امنیت» مطرح نشده و حتی رسانه‌های غربی نیز می‌گویند این مرحله فعلاً در دستورکار نیست.

اما از سوی دیگر، فشارهای فزاینده برای گزارش‌دهی بیشتر، ایجاد تعهدات جدید و بازگرداندن سازوکارهای منقضی شده، می‌تواند مسیر مذاکرات را بیش از پیش دشوار کند. به‌ویژه در شرایطی که ایران تأکید دارد بدون رفع فشارهای سیاسی، امکان بازگشت به مسیر همکاری گسترده با آژانس وجود ندارد.

خاورمیانه

ولیعهد به آمریکا می‌رود

از استقرار سلاح هسته‌ای تا اف-۲۵؛
فهرست درخواست‌های عربستان از آمریکا

ولیعهد عربستان، خواهان یک توافق دفاعی با آمریکاست که احتمالاً با پیشی گرفتن از توافق قطر، تراشه‌های هوش مصنوعی و پهپادهای مجهز به هوش مصنوعی و احتمالاً استقرار سلاح‌های هسته‌ای آمریکا در کشورش را شامل شود. این فهرست آرزوها در صدر سفری است که از روز دوشنبه در واشنگتن آغاز می‌شود، در سبوی دیگر، رئیس‌جمهور آمریکاست که جواهرات سلطنتی کشورش را روی میز مذاکره می‌گذارد: فناوری هسته‌ای و هوش مصنوعی. میدل ایست‌آی در بررسی سفر قریب‌الوقوع «محمد بن سلمان» ولیعهد عربستان آورده است: موفقیت سفر ولیعهد، بازتابی از غریزه اصلی رئیس‌جمهور آمریکا «دونالد ترامپ» برای پاسخگویی به نگرانی نهادهای امنیتی آمریکا در مورد چین و حفظ فناوری کشورش در ازای افزایش فروش خارجی از یکی از معدود اقتصادهای بزرگ جهان است که با وجود بودجه‌های محدود، پول نقد کافی برای سرمایه‌گذاری‌های کلان دارد. یک مقام آمریکایی که از مقدمات این سفر مطلع شده است به میدل ایست‌آی گفت که عربستان سعودی ۱۰۰۰ مقام را با ۱۸ هواپیما برای این سفر به واشنگتن می‌آورد. روز دوشنبه اولین بار از سال ۲۰۱۸ خواهد بود که محمد بن سلمان، ولیعهد عربستان، از کاخ سفید بازدید خواهد کرد. ۷ ماه پس از آن سفر، او دستور قتل «جمال خاشقچی»، ستون‌نویس واشنگتن پست را صادر کرد که موجی از انتقادات گروه‌های حقوق بشری و جو بایدن، رئیس‌جمهور سابق آمریکا را در زمان مبارزات انتخاباتی‌اش برانگیخت. روابط ریاض با ایالات متحده در روزهای اولیه دولت بایدن تیره شد اما تا سال ۲۰۲۲ بهبود یافت تا حدی به این دلیل که ایالات متحده پس از تحریم روسیه در پاسخ به حمله‌اش به اوکراین به انرژی عربستان سعودی نیاز داشت. برخی از مقامات آمریکایی و اسرائیلی ماه‌هاست که نگران فروش اف-۳۵ به عربستان هستند. اسرائیل تنها دولتی در خاورمیانه است که از این جنگنده‌ها استفاده می‌کند و آن را بخش کلیدی برتری نظامی کیفی خود در برابر همسایگانش می‌داند.



گزارش: ادبیات جهان

شاعری که ملکه جنایت شد

کشف نخستین اثر منتشرشده آگاتا کریستی



پس از بیش از یک قرن جست‌وجو و حدس و گمان، پژوهش‌گران سرانجام موفق شدند، نخستین اثر منتشرشده آگاتا کریستی، نویسنده بزرگ رمان‌های جنایی، را شناسایی کنند. این اثر، نه داستانی کارآگاهی یا معمایی بلکه شعری طنزآمیز با عنوان «بخار در برابر برق» (Steam v. Electricity) است که کریستی در سال ۱۹۰۵، در ۱۴سالگی، سروده بود. این شعر که در روزنامه میدل کانثی تایمز منتشرشده به ماجرای از کار افتادن قطاری در لندن می‌پردازد و با لحنی شوخ‌طبعانه پیشرفت فناوری را به چالش می‌کشد. نخستین بند آن چنین آغاز می‌شود: «وقتی نخستین قطارهای برقی به حرکت درآمدند / در تمام شکوه سرخ خود / همه چیز خوب بود؛ اما پیش از آن‌که روز به پایان رسد / داستان دیگری رقم خورد.» کشف این شعر را دو پژوهشگر ادبی، جیمز برنتال-هوکر و همسرش آلن، انجام داده‌اند. آن‌ها با بررسی سرنخ‌هایی که کریستی در زندگی‌نامه‌ی پس از مرگش بر جای گذاشته بود، توانستند

پس از سال‌ها جست‌وجو، نسخه‌ای از شعر را در آرشیو روزنامه‌ای بیابند. کریستی در خاطرات خود به اشتباه اشاره کرده بود که شعر درباره‌ی ترامواست، نه قطار و آن را در ۱۱سالگی نوشته است؛ همین اشتباه‌ها باعث شده بود مسیر پژوهش برای مدت‌ها به بیراهه برود.

برنتال-هوکر درباره‌ی کشف این اثر گفت: «وقتی همرسم آن را پیدا کرد، حیرت‌زده شدم. ممکن است او نخستین کسی باشد که پس از ۱۲۰ سال این شعر را خوانده است. شعر به‌طری دل‌نشین و شوخ است و نشان می‌دهد کریستی در کودکی به چه نوع شعرهایی علاقه داشت. هم‌چنین در آن نوعی بدبینی طنزآمیز نسبت به پیشرفت دیده می‌شود که بعدها در کارهایش هم تکرار می‌شود.»

کشف شعر «بخار در برابر برق» اکنون فرصتی تازه فراهم کرده تا منتقدان و دوستداران ادبیات به آغاز راه نویسنده‌ای بازگردند که از همان نوجوانی توانایی ترکیب شوخ‌طبعی، کنجکاوی و نگاهی منتقدانه به جهان را در نوشته‌هایش نشان می‌داد؛ خصیصه‌ای که بعدها، او را به یکی از تأثیرگذارترین نویسندگان قرن بیستم بدل کرد.

ملکه جنایت

آگاتا کریستی، که بعدها به «ملکه جنایت» شهرت یافت، با خلق شخصیت‌هایی چون هرکول پوآرو و خانم مارپل، بیش از ۶۰ رمان کارآگاهی نوشت و پرفروش‌ترین نویسنده داستانی تاریخ شد. او در سال ۱۹۷۱ لقب «دیم» دریافت کرد و آثارش بارها به فیلم و مجموعه تلویزیونی تبدیل شده‌اند. نویسنده‌ی آگاتا کریستی در طول جنگ جهانی اول با نوشتن اولین رمان پلیسی خود، «رابطه اسرارآمیز در استایلز» آغاز شد. این رمان خوانندگان را با یکی از محبوب‌ترین شخصیت‌های او، هرکول پوآرو، یک کارآگاه بلژیکی درخشان آشنا می‌کند که میل زیادی به حل معماهای پیچیده دارد.

«رابطه اسرارآمیز در استایلز» آغاز یک حرفه‌ی پر بار بود که بیش از ۵ دهه را در بر گرفت. کریستی به نوشتن رمان‌ها، داستان‌های کوتاه و نمایش‌نامه‌های متعددی ادامه داد که اغلب هرکول پوآرو یا کارآگاه معروف دیگرش، خانم مارپل شخصیت اول آن‌ها بودند. سبک نوشتاری او مبتنی بر نقشه‌های دقیق، جای‌گذاری نکاتی انحرافی برای منحرف کردن ذهن مخاطب و پیچش‌های غیرمنتظره‌ای بود که پیش‌بینی‌های خواننده از پایان داستان را دچار آشفتگی می‌کرد. آگاتا کریستی به‌خاطر تکنیک‌های نوآورانه داستان‌سرایی‌اش شهرت داشت. او ژانر «whodunit» را رایج کرد، جایی که خوانندگان به چالش کشیده می‌شوند تا پیش از کارآگاه، مجرم را شناسایی کنند. توانایی او در پنهان کردن سرنخ‌های حیاتی در حالی که خوانندگان را درگیر فرایند حل معما می‌کرد، او را به استادی بزرگ در تعلیق تبدیل کرد. در میان بسیاری از آثار او، برخی از مشهورترین رمان‌های آگاتا کریستی عبارتند از: «قتل در قطار سریع‌السیر شرق»، «مرگ در نیل»، «او سپس

هیچ‌کدام نبود» و «قتل راجر آکروید». این رمان‌ها مهارت بی‌نظیری او در ساخت و پرداخت رموز پیچیده و تفکربرانگیز که در آزمون زمان ایستاده‌اند را به نمایش می‌گذارند.

داستان ناپدید شدن

غروب ۳ دسامبر ۱۹۲۶ آگاتا کریستی از خانه خود، استایلز، در ساینگدیل، برکشایر، انگلستان ناپدید شد. شرایط ناپدید شدن او به همان اندازه گیج‌کننده بود که توطئه‌های رمان‌های خودش. از او یک ماشین متروکه، گواهینامه رانندگی منقضی شده و چند دست لباس‌های پراکنده در نزدیکی یک دریاچه به جای مانده بود. ناپدید شدن آگاتا به یک جنجال رسانه‌ای تبدیل و جست‌وجوی سراسری برای یافتنش آغاز شد. ۱۱ روز بعد، او در هتل هاروگیت هیدرو در هاروگیت، شهری در یورکشایر کشف شد. او با نام «خانم تریسانیل» اهل کیپ‌تاون آفریقای جنوبی ثبت‌نام کرده بود. آگاتا بعداً ادعا کرد که هیچ خاطره‌ای از نحوه‌ی رسیدنش به آن‌جا ندارد. ناپدید شدن آگاتا کریستی منجر به بسیاری از نظریه‌ها و گمانه‌زنی‌ها شد. برخی معتقد بودند این یک ترفند تبلیغاتی برای افزایش فروش کتاب‌هایش است، در حالی که برخی دیگر مشکوک به دسیسه یا دزددگی بودند. حقیقت اما برای همیشه مبهم باقی ماند زیرا خود آگاتا هرگز هیچ توضیح قانع‌کننده‌ای برای آن اتفاق ارائه نکرد. با بررسی اتفاقات رخ داده در زندگی شخصی آگاتا، اعتقاد بر این است که ناپدید شدن آگاتا کریستی، نتیجه‌ی آشفتگی شخصی بوده است. او با همسر اولش سرهنگ آرچیبالد کریستی که همان تازگی به رابطه‌ی نامشروع خود اعتراف و تمایل خود را برای طلاق ابراز کرده بود، دچار مشکلات عدیده‌ای شده بود. چنین استنباط می‌شد که استرس و آشفتگی عاطفی حاصل از آن اتفاق ممکن است، او را به دنبال فرار و کناره‌گیری از فضای اجتماعی سوق داده باشد.

حاشیه‌های تازه

آثار آگاتا کریستی در فیلم‌ها، سریال‌های تلویزیونی و تولیدات صحنه‌ای متعددی اقتباس شده‌اند. شخصیت‌های او، به ویژه هرکول پوآرو و خانم مارپل، به چهره‌های نمادین فرهنگ عامه بدل گشته‌اند. بازیگرانی مانند دیوید ساجت و مارگارت رادفورد به تصویر کشیدن کارآگاهان معروف او روی پرده، اثری ماندگار از خود بر جای گذاشته‌اند. با این حال آثار کریستی در سال‌های اخیر با حاشیه‌هایی همراه بوده است. در سال ۲۰۲۳ روزنامه‌ی «تلگراف» فاش کرد که ناشر انگلیسی هارپرکالینز در نسخه‌های جدید برخی رمان‌های او، تغییراتی داده تا آن‌ها را با حساسیت‌های مخاطبان امروز سازگار کند. در این نسخه‌ها، بخش‌هایی از گفت‌وگوهای شخصیت‌ها، توصیف‌های مربوط به ظاهر و حتی صحنه‌هایی از برخوردهای اجتماعی حذف یا بازنویسی شده‌اند؛ تغییری که میان هواداران آثار کریستی بحث‌برانگیز شد.

درخشش و افول ناگهانی

مارینا لویتسکا نویسنده بریتانیایی – اوکراینی درگذشت

سالی طول کشید تا در روستای نورتون، از توابع دانکستر، خانه‌ای برای خودشان دست‌وپا کردند. پدر مارینا در خط تولید تراکتور شرکت اینترنشنال هاروستر دانکستر مشغول به کار شد و پنج سال بعد همه خانواده به این شهر نقل‌مکان کردند. مارینا در آن سال‌ها خودش را با مجموعه‌داستان جیمز بیگلزورث (معروف به بیگلز) نوشته‌ی ویلیام ارنل جازز سرگرم می‌کرد. خواندن ماجراهای جلد‌های پرشمار همین کتاب بود که او را ذره‌ذره به ادبیات علاقه‌مند کرد. علاقه‌ی مارینا به ادبیات در مدرسه‌ی زبان هنری باکس پرورش یافت و همین شد که بعدتر در دانشگاه کپل، زبان انگلیسی و فلسفه و در دانشگاه یورک، ادبیات انگلیسی خواند. لویتسکا پیش از آن‌که رمان‌نویس شود، در دانشگاه شفیلد هالم استاد مطالعات رسانه بود. همان جا در کلاس نویسنده‌ی خلاق شرکت کرد و دست‌نوشته‌ای را تکمیل کرد که بعدها به رمان پرفروش زندگی او نوشته شده بود، تنش‌های میان خواهر و برادرها، فقدان مادر و پدری مهندس و عجیب‌وغریب که با زنی بسیار جوان‌تر ازدواج می‌کند و همین اتفاق دخترانش را به نقشه کشیدن برای بیرون کردن مهمان ناخوانده وامی‌دارد. «تاریخچه‌ی تراکتورها به اوکراینی» رمانی خنده‌دار، پرظرافت و پرمایه درباره‌ی خانواده، ترمیم دیر هنگام زخم‌های کاری کهنه، سال‌خوردگی و ۵۰ سال از تاریخ اروپا.

سرگرمی و نقد در کنار هم

ورا و نادژدا دو دختر به ترتیب ۵۷ساله و ۴۷ساله خانواده‌ی مهاجر اوکراینی ساکن انگلستان‌اند که مادر بلاکش و مایه‌ی دوام خانواده‌شان را دو سال است که از دست داده‌اند. جنگ، قحطی، آوارگی و بی‌کسی در اوکراین باعث شده بود، مادر بعد از مهاجرت همه عمرش را به صرفه‌جویی‌های افراطی، ذخیره خوراکی به شکل‌های مختلف و پس‌انداز برای روز مبدا بگذراند. گذشته‌ی هیچ‌وقت دست از سر آن‌ها برنمی‌دارد. رازی قصه در توصیف کشوری که خانواده‌ی «مایفسکی» از آن گریختند، می‌گوید: «در ۱۹۳۷ که پدرم از لوهاנסک به کی‌یف برگشت، تمام کشور غرق پارانویا بود. پارانویا همه‌جا رسوخ می‌کرد؛

مارینا لویتسکا، رمان‌نویس بریتانیایی – اوکراینی که بیش از همه به‌خاطر رمان طنزآمیز نخستش با عنوان «تاریخچه تراکتورها به اوکراینی» شناخته می‌شود، در سن ۷۹سالگی بر اثر یک بیماری تحلیل‌برنده مغزی از دنیا رفت. در داستان‌نویسی، لویتسکا اغلب از میراث اوکراینی و تجربه‌های خانوادگی‌اش به‌عنوان پناهنده الهام می‌گرفت. رمان «تاریخچه تراکتورها به اوکراینی» که در سال ۲۰۰۵ و زمانی که او ۵۸ سال داشت، منتشر شد به شکلی غیرمنتظره به یک اثر پرفروش بین‌المللی تبدیل و به ۳۵ زبان ترجمه شد. این رمان موفق به کسب جایزه یولینگر وودهاوس برای طنزنویسی شد و در فهرست جایزه ادبی بوکر قرار گرفت و نامزد جایزه‌ی اورنج برای داستان شد. از دیگر رمان‌های موفق او می‌توان به «دو کاروان» (۲۰۰۷)، «ما همه از جیب ساخته شده‌ایم» (۲۰۰۹)، «حیوانات مختلف، زنده و مرده» (۲۰۱۲) و «میراث لویتکین» (۲۰۱۶) اشاره کرد و آخرین رمان او «خوب، بد و کمی احمق» در سال ۲۰۲۰ منتشر شد. «دو کاروان» نامزد جایزه «آرول» ۲۰۰۸ هم شد. بیل همیلتون، نماینده او، گفت: «مارینا با رمان نخست خود «تاریخچه تراکتورها به اوکراینی» ناگهان وارد صحنه شد؛ رمانی که طنز منحصربه‌فرد او و روحیه اجتماعی عدالت‌خواهانه‌اش را معرفی کرد؛ خصوصیتی که بعدها در رمان‌های بعدی و زندگی عمومی‌اش تداوم یافت.» به گزارش گاردین، جولیت آنان، ویراستار پیشین این نویسنده، نیز به تمجید از او پرداخت و گفت: «ویرایش و انتشار آثار مارینا برای من بزرگ‌ترین لذت بود. افراد واقعاً منحصربه‌فرد کم‌اند و او یکی از آن‌ها بود. داستان‌نویسی مبارزه‌جو که کارش همچون سندی جدی و در عین حال طنزآلود از زمانه و مکان‌ها باقی خواهد ماند.»

فرزند اردوگاه

مارینا لویتسکا ۱۲ اکتبر ۱۹۴۶ در یک اردوگاه پناهندگان تحت مدیریت بریتانیا در کیل آلمان متولد شد؛ فرزند دو اوکراینی که توسط نازی‌ها به‌عنوان نیروی کار اجباری به آنجا برده شده بودند. یک‌ساله که بود، خانواده‌اش سرانجام توانستند به انگلستان مهاجرت کنند. سه

شبکه‌خانگی

ملال هفتگی

نگاهی به سریال **از یاد رفته** ساخته بروز نیک‌نژاد

هیچ بازی‌ای نگرفته است. تمام رفتارهای این هنرمندان از «حسین محبوب» تا «پردیس احمدیه» آماتورگونه است. در واقع پشت هیچ‌کدام از اکت و رفتارهایشان، منطقی دیده نمی‌شود. «حسین محبوب» که نامش با آثاری چون «مادیان» و «رنگ خدا» گره خورده برای نخستین بار بازی تک بعدی از خود نشان می‌دهد و تنها در شمایل یک تیپ، پدربزرگی پولدار، فرو رفته است. از سوی دیگر «فرهاد اصلانی» که با نقش آفرینی‌های تحسین‌برانگیزی که دارد و بخشی از شناسنامه آثار



فرزانه متین

گروه سینما، تئاتر و تلویزیون

این روزها پلنفرم‌های نمایش خانگی، سریال‌هایی را عرضه می‌کنند که از هیچ آغاز می‌شوند و به هیچ می‌رسند. سال‌ها پیش مرحوم «هوشنگ کاووسی» منتقد پیشکسوت سینمای ایران برای نخستین بار واژه «فیلمفارسی» را در نقد فیلم‌ها به کار برد؛ واژه‌ای که از آن زمان وارد ادبیات سینمایی ایران شد. در آن دوران، فیلمفارسی به آثاری گفته می‌شد که از ابتدایی‌ترین استانداردهای فنی و قواعد سینمایی بی‌بهره بودند، چه برسد به آنکه واجد ارزش‌های هنری هم باشند. فیلم‌هایی سطحی و مبتذل که چیزی برای ارائه نداشتند و بعدها با عناوینی چون «سینمای فارسی»، «فیلم آبگوشتی» یا «سینمای آبگوشتی» از آنها یاد شد. با شروع سریال «از یادرفته» به کارگردانی «بروز نیک‌نژاد» به تهیه‌کنندگی «مجتبی وحیدی» و نویسندگی «نوید محمودی» در کنار سریال «شغال» دوباره کلید واژه «فیلمفارسی» تکرار شد.

«بروز نیک‌نژاد» با ارائه یک سری موتیف‌های فیلمفارسی چون اختلاف طبقاتی، عشق‌های مثالی، تقابل و تفاوت فکری افراد مرفه و قشر ضعیف (همه افراد پولدار اهل خلاف و نارو زدن هستند و در مقابل قشر کم‌بضاعت با مرام و نجیب‌اند) دعوا بر سر ارث و میراث، انتقام، کشیدن نقشه‌های شوم برای یکدیگر و... نشان می‌دهد، این سریال نمونه بارز فیلمفارسی است که می‌توان در کنار سریال‌هایی چون «گردن‌زنی»، «قطب شمال»، «مانکن» و... از ضعیف‌ترین و مبتذل‌ترین آثار نمایش خانگی نام برد که مانند عنوانش به زودی فراموش خواهد شد. با این حال در ۱۸ قسمت باعث زنجش و آزار مخاطب شد. البته توجه تاج «از یاد رفته» نسبت به سایر سریال‌های کلیشه‌ای، گردآوری بازیگران معروف در عرصه سینما و تلویزیون است که بدترین و خام‌ترین بازی‌ها را از خود ارائه داده‌اند. معمول است که می‌گویند، یک کارگردان خوب می‌تواند از تکه‌ای چوب، بازیگر بسازد اما «نیک‌نژاد» از بازیگران خوب در اثرش،



انتقاد ویرانگر از حکومت تک حزبی

لو رفتن فایل مکالمه خصوصی وانگ کاروای برای او گران تمام شد

می‌تواند، عواقب شدیدی داشته باشد.

در پی آن به سرعت، واکنش شدید کاربران اینترنتی ملی‌گرای «صورتی کوچک» این بود که خواستار تحریم و مجازات وانگ و تیم سازنده سریال «شکوفه‌ها» و برخی خواستار ممنوعیت دائمی وانگ از این صنعت شدند.

اما این حادثه از یک اختلاف طولانی‌مدت بر سر نویسندگی فیلمنامه این سریال بین تهیه‌کنندگان و چنگ جون-نیان، یک فیلمنامه‌نویس جوان، سرچشمه گرفت. چنگ ادعا کرد که از سال ۲۰۱۹ به طور گسترده در حال نوشتن فیلمنامه این سریال بود و بخش‌های کلیدی از جمله شخصیت آبانو با بازی هو گه، لی لی با بازی شین ژیلی و خانم وانگ با بازی تانگ یان را وی نوشت. با این حال از او فقط به عنوان «ویراستار پیش‌تولید» نام برده شد، در حالی که چین ون در بیست‌و‌نهمین جشنواره تلویزیونی شانگهای برای سریال «شکوفه‌ها» جایزه بهترین فیلمنامه‌نویس را دریافت کرد. به گزارش مهر، چنگ که احساس می‌کرد مورد ظلم قرار گرفته است، تیم تولید را به سوءاستفاده از کارش متهم کرد. پس از آنکه تلاش‌های وی برای دفاع از حقوقش بی‌نتیجه ماند، او با انتشار مجموعه‌ای ضبط شده از گفت‌وگوهای خصوصی که در مجموع ۷ بخش بود و بیش از یک ساعت طول می‌کشید، در رسانه‌های اجتماعی تلافی کرد.

طبق این فایل‌ها، وانگ ظاهراً در مورد راه‌اندازی یک «اردوی تابستانی» برای جذب نویسندگان جوان شوخی و در عین حال فیلمسازان دیگر، چن کون و ژو شون، را مسخره و آنها را به سوءاستفاده از فیلمنامه‌نویسان جوان متهم می‌کند. این صداها همچنین شامل نظرات منفی در مورد تانگ یان، چن دانومینگ و چین دونگ بود که «متظاهر» خوانده شدند و از بازیگر پیشکسوت یو بنچانگ به عنوان مردی یاد شده که کنار آمدن با او آسان نیست.

این فایل‌ها همچنین اشاره داشتند که بازیگر جین جینگ به دلیل امتناع از «همراهی با قوانین ناگفته» از نمایش حذف شد و نی نی و لیو شیشی در طول فیلمبرداری «سال‌های طلای روان» بر سر دیالوگ با هم درگیر شدند. چنگ، وانگ را به بدرفتاری با کارکنانش متهم کرد و او را «احمق» خواند. این افشاگری‌ها، مردم را شوکه کرد و بحث‌های داغی را در صنعت سرگرمی برانگیخت.

در یکی از بخش‌ها، چین ون و همکارش شو شیائو در مورد حادثه‌ای که ظاهراً در آن به یک افسر پلیس مشقت زده و از طریق ارتباطات آزاد شده‌اند، لاف می‌زدند. وانگ که در این مکالمه حضور داشته به چین توصیه کرده که «بی‌سروصدا باشد» و حتی به شوخی گفته که می‌تواند از این داستان برای کار بعدی استفاده کند.

این افشاگری‌ها خشم عمومی را برانگیخت. بسیاری این حادثه را به عنوان مدرکی از امتیاز نخبگان در صنعت سرگرمی چین دانستند و کاربران اینترنتی، رفتار چین را «به تمسخر گرفتن عدالت» و نمونه‌ای از چگونگی «غلبه ارتباطات بر قانون» خواندند.

مجموعه‌ای از فایل‌های صوتی لو رفته که در آنها وانگ کار-وای از حکومت تک‌حزبی چین انتقاد می‌کند، بحث‌های داغی را در صنعت سرگرمی برانگیخت و عده‌ای خواستار ممنوع‌الکار شدن این کارگردان شدند. برای وانگ کار-وای و گروه سازنده «شکوفه‌ها» افشای نظرهای حساس سیاسی به طور بالقوه ویرانگر است و در محیط رسانه‌ای چین هر اشاره منفی به حزب کمونیست یا سیستم حکومت می‌تواند منجر به قرار گرفتن در لیست سیاه، سانسور یا حتی عواقب قانونی شود.

در طول ۴۰ سال، وانگ کار-وای، کارگردان سرشناس هنگ‌کنگی با هاله‌ای از رمز و راز و در حالی که به ندرت بدون عینک آفتابی تیره مخصوص خود دیده می‌شد با فیلم‌هایی که به تأمل در زمان، حافظه و اشتیاق ناگفته می‌پرداختند، جایگاهی تقریباً افسانه‌ای داشت اما اکنون این نویسنده ۶۷ ساله، دنیایی که با دقت ساخته را در معرض مدرن‌ترین سلاح‌ها می‌بیند: مجموعه‌ای از فایل‌های صوتی که لو رفته و در آنها، وی از حکومت تک‌حزبی چین انتقاد می‌کند.

با انتشار یک فایل صوتی که پرازدید شده و روشن می‌کند که این کارگردان مشهور از نحوه برخورد حزب کمونیست چین با همه‌گیر شدن کرونا در وهان انتقاد دارد و آن را با «یک دولت تک‌حزبی حریص» مرتبط می‌داند، جنجالی در صنعت سرگرمی چین به پا شده است.

این فایل صوتی که گفته می‌شود در طول تولید سریال تلویزیونی پرتعداد وانگ با عنوان «شکوفه‌ها» ضبط شده به تازگی توسط چنگ جون-نیان (با نام مستعار «گوار») در «ویبو» آپلود شده است. این فایل هرچند خیلی زود حذف شد اما تا آن زمان به طور گسترده در فضای مجازی پخش شد و بحث‌های داغی را برانگیخت.

در گفت‌وگوهایی که در این فایل ضبط شده وانگ و اعضای تیم تولیدش - از جمله لی شوانگ، کارگردان مشترک و کین ون، فیلمنامه‌نویس - با ناامیدی آشکاری در باره واکنش دولت به همه‌گیری کرونا حرف می‌زنند. طبق گزارش‌ها، آنها گفتند که حزب کمونیست چین «هیچ رحم و شفقتی ندارد» و «فقط می‌داند چگونه زندگی مردم را مانند محصولات کشاورزی درو کند». چنین اظهارنظرهایی در گفتمان سیاسی چین، بار معنایی منفی شدیدی دارد.

در حالی که یکی از آنها نحوه برخورد چین با همه‌گیری را با کشورهای دموکراتیک مقایسه کرده و می‌گوید: «هیچ دموکراسی‌ای با چنین چیزهایی این طور برخورد نمی‌کند، کاری که ما کردیم، فاجعه بود»، حساس‌ترین جمله از نظر سیاسی از خود وانگ بود که می‌گوید: «چنین هرج و مرجی فقط در یک دولت تک‌حزبی حریص اتفاق می‌افتد».

این اظهارنظر که حکومت تک‌حزبی چین را با «حرص و طمع» و «بی‌نظمی» برابر می‌داند به معنی انتقاد مستقیم از سیستم سیاسی چین است. در محیط سانسور شدید چین، چنین بیانیه‌ای به تابوهای سیاسی ضربه می‌زند و



با این‌که از بعد مرگ مادر و بگومگو بر سر ارث‌ومیراث او با هم حرف نزده‌اند، سعی می‌کنند متحد بشوند تا پای این به قول پدرشان «الله زیبا» را از زندگی‌شان ببرند. منتها خاطرات و درک متفاوت دخترها از گذشته مشترک مشوش‌شان دو جهان‌بینی به‌کل متفاوت به آن‌ها داده که سرچشمه اختلافات اساسی‌شان است. به قول منتقد نیویورکر «لویتسکا خیلی ظریف نشان‌مان می‌دهد، آشوب‌ها و ویرانی‌های قرن پیش چطور آهسته‌آهسته بنیان خانواده‌ها را زیرورو کرده است.»

لویتسکا راجع به رویکرد کلی روایت‌هایش می‌گوید: «مطلوب من این است که آدم‌ها موقع خواندن قصه‌ام، سرجمع سرحال بیابند و سرگرم بشوند؛ آن لایه‌لا هم حرف‌های جدی تلخی هست که کم هم نیستند منتها ترجیح می‌دهم، توجشم و گل‌درشت‌نگویم‌شان که شنونده‌هایش با آغوش بازتری بپذیرندشان.» شوخی، کنایه و طعن مهم‌ترین ابزارهای لویتسکا در روایت کردن هستند. آدم‌های «تاریخچه تراکتورها به اوکراینی» همگی زندگی‌های پرنرنجی داشته‌اند، از اوضاع‌شان شاکی‌اند و همدیگر را مقصر ناکامی‌های شخصی‌شان می‌دانند اما برای ابراز خشم و گله‌هایشان مدام تیکه می‌پراند و همدیگر را دست می‌اندازند. همهٔ وقایع تاریخی کتاب مبتنی بر واقعیت است اما «تاریخچه تراکتورها به اوکراینی» یک رمان تاریخی نیست. مارینا لویتسکا در روایتش فقط به گذشته رجوع می‌کند تا خصایص، عقاید و تصمیمات آدم‌های قصه‌اش را برای خواننده قابل درک کند. خراش‌ها و زخم‌هایی که تجربهٔ عینی حوادثی مثل پاک‌سازی بزرگ یا قحطی بزرگ اوکراین بر روح پدر، مادر و دختر بزرگ خانواده انداخته به جهان‌بینی و روابط‌شان با همدیگر سروسشکل داده و مسیر زندگی‌شان را به کل عوض کرده است و همین زمینه‌ساز سوءتفاهم‌ها و گرفتاری‌های بعدی خانواده می‌شود.

او می‌خواهد از اموال ادیبی‌ها چشم‌پوشد اما شهاب به دنبال یک پاسخ است، چه بلایی سر پدرش آمده است؟ و جالب آن‌که تا اواسط سریالاف کسی به سؤال‌هایش پاسخ نمی‌دهد. در واقع او در ۳۰ سالگی تازه متوجه می‌شود چرا پدرش کشته شده است. مخاطبان، چنین داستانی را بارها در سینمای هند و فیلمفارسی‌ها دیده‌اند. در سریال دو لوکیشن وجود دارد که گویا فقط مختص ادیبی‌هاست: یکی قبرستان که مختص رفت‌وآمد این خاندان است و در هیچ سکانسی از این قبرستان، شخص دیگری دیده نمی‌شود و دیگری شهر بازی بی‌در و پیکری که گویا شهاب، مالک و اختیاردار آنجاست و در این مکان هر زمان که بخواهد رفت‌وآمد می‌کند، معشوق‌اش را به آنجا می‌برد، دلبری می‌کند، خاطره تعریف می‌کند، ناز و عشوه دختر را می‌کشد و ...

البته که این موضوع کلیشه‌ای، تنها مشکل «از یاد رفته» نیست بلکه روایت ملال‌آور و ریتم کند قصه در ۱۷ قسمت به نوعی تبدیل به وضعیتی آزاردهنده برای تماشاگر می‌شود. در هر قسمت بیننده با کلی خردمیرنگ روبه‌روست که نمی‌توانند در خدمت پیرنگ اصلی باشند و بسیاری از معماها، حل نشده باقی می‌ماند. اگر در گذشته فیلمفارسی را باید دو ساعت تحمل می‌کردیم، متأسفانه این قسم از سریال‌ها را حداقل تا چند ماه باید تحمل کرد. «تیک‌ژاد» تا توانسته، روایت‌های فرعی را داخل داستان کرده و در پایان در یک قسمت درصد آن است که قصه را جمع‌وجور کند. نوآوری و خلاقیت از ابزارهای لازمی است که یک فیلمساز باید به آن مجهز باشد اما کارگردان این مجموعه فاقد هرگونه خلاقیت بوده و هیچ نوآوری در مجموعه دیده نمی‌شود. «از یاد رفته» در قسمت هجدهم بدون هیچ‌گونه منطق و روابط علی به پایان می‌رسد و به عبارتی سر و ته آن را هم می‌آورند به گونه‌ای که مخاطب پس از تمام شدن سریال در شوک و بهت فرو می‌رود. فیلم ابتدا با مرگی آغاز می‌شود که مرده ناگهان در سردخانه بیمارستان زنده می‌شود و در قسمت آخر، سریال با انبوهی از جنازه به پایان می‌رسد و مغز متفکر داستان هم با کشتن چندین نفر به زندگی خود پایان می‌دهد. چنین سریال‌هایی به خوبی نشان می‌دهد که در ایران، فیلمنامه‌نویسان بزرگ‌ترین ضربه را به صنعت سریال و آثار سینمایی زده‌اند. سوژه در جامعه فعلی کم نیست اما گویا در دوران ملت‌بپ کنونی ایران، کمبود ایده تبدیل به یک معضل بزرگ شده که پیامدهای آن در سینما هم دیده می‌شود. فیلمسازان ترجیح می‌دهند با الگوپذیری از آثار هندی و ترکی چندین موتیف را در کنار هم قرار دهند و فیلم بسازند و نتیجه‌اش، پس زدن مخاطب می‌شود. اما بیشتر از نویسندگان این مدیران پلتفرم‌ها هستند که با تصویب و هزینه کردن برای چنین سریال‌هایی هم پلتفرم خود را سطحی کرده و زیر سوال می‌برند و هم اینکه به سریال‌سازی ایران، صدمات جبران‌ناپذیر وارد می‌کنند.



حتی در خصوصی‌ترین درزهای زندگی آدم‌ها. روابط میان دوستان و همکاران، استادان و دانشجویان، والدین و بچه‌ها، زن‌ها و شوهرها تیره‌وتار شده بود. دشمن همه جا بود. اگر کسی خوکچه‌ای را مطابق میل‌تان، بهتان نفروخته بود یا به دوستان نظر سوء داشت یا پی پولی را گرفته بود که طلب داشت یا در امتحان بهتان نمره پایین داده بود، گزارش مختصری به سازمان امنیت داخلی، (NKVD)، کارش را یک‌سره می‌کرد. باهوش، بااستعداد یا میهن‌پرست هم که بودید، باز ممکن بود برای کسی تهدید محسوب شوید. اگر زیادی باهوش بودید، بی‌تردید خائن یا خرابکاری بالقوه بودید، اگر زیادی کودن بودید، دیر یا زود بند را به آب می‌دادید و کار غلطی می‌کردید. هیچ‌کس نمی‌توانست از پارانو یا بگریزد؛ از فرو دست‌ترین‌ها گرفته تا بالادست‌ترین‌ها. مسلماً قدرتمندترین آدم آن قلمرو، خود استالین، بیش از همه به پارانو یا مبتلا بود. پارانو یا از زیر درهای بسته کرملین بیرون می‌زد و تمام حیات بشری را فلج می‌کرد.» پدر خانواده اما مرد سر به‌هویی است که چه قبل و چه بعد از مهاجرت همه حواسش جمع مطالعه دربارهٔ صنعت هوانوردی، تراکتورسازی و سرگرمی‌های گادیه‌گاهی است که از دل این مطالعات برای خودش جور می‌کند و بعد از مرگ همسرش هم شروع کرده به نوشتن تاریخچهٔ تراکتورها به زبان اوکراینی. حالا این پدر ۸۴ ساله و مهندس یک‌دنده قصد کرده با زن ۳۶ ساله «مطلقه بور لوئند اهل اوکراین» ازدواج کند تا هم همدمی برای سال‌های آخر عمرش جور کرده باشد، هم راه مهاجرت زن و پسر نوجوانش را به انگلستان هموار کند تا باری از روی دوش هم‌وطن‌های رنج‌دیده محرومیت کشیده‌اش سبک کند. خواهران چون مطمئن‌اند این زن تازه برای مستمری و پس‌انداز مختصر پدرشان کیسه دوخته،

درخشان سینمای ایران است، بازی‌اش نپخته و اگرچره است. او بعد از بازی در سریال «جان‌سخت» در همان نقش فرو رفته، مردی که دائمی در حال نقشه کشیدن است و برای به چنگ درآوردن ثروت، دست به هر کاری می‌زند. مردی که با هزار دروغ و دغل می‌خواهد، دل خواهر زن مرده‌اش را ببرد و خانم دکتر باسودای که می‌دانند، او مرد دو رویی است اما بی‌دلیل عاشق وی می‌شود و دلدادگی و دیالوگ‌های رد و بدل شده این دو بازیگر، «فرهاد اصلانی» و «الهام اخوان» از بی‌کیفیت‌ترین سکانس‌هایی است که در پنج، شش قسمت آخر سریال دیده می‌شود. مخاطبانی که این سریال را ندیده‌اند مسلماً با خواندن خلاصه‌ای از داستان، رغبتی برای تماشای آن نخواهند داشت. حاج‌اسماعیل ادیبی، رئیس یک هلدینگ خانوادگی - که دامادهایش مانند زالو در حال مکیدن پول‌های این خاندان هستند - سال‌ها پیش به پسرش ستم کرده و عروس و نوه‌اش را از خود رانده است اما اکنون که پیر و بیمار شده به دنبال نوه‌اش، شهاب، می‌گردد تا بتواند گذشته را جبران کند. عروس ادیبی، اجازه نمی‌دهد که شهاب با ادیبی‌ها رفت‌وآمد کند و از



تحلیل روز

تردید و امید

بازار سهام دیروز چه حال و روزی داشت؟

نسرین خدادادی
گروه اقتصاد

بازار سهام دیروز در حالی کار خود را آغاز کرد که نشانه‌های تردید و امید هم‌زمان در رفتار معامله‌گران موج می‌زد؛ اما هرچه به نیمه دوم روز نزدیک‌تر شدیم، کفه ترازو آرام‌آرام به نفع خریداران سنگین شد. شاخص‌ها سبز شدند، صف‌های خرید جان گرفتند و حقیقی‌ها که صبح را محتاط آغاز کرده بودند، با ورود نقدینگی تازه به صحنه برگشتند. هرچند ارزش معاملات همچنان پایین و نگران‌کننده است، اما آنچه در انتهای روز به چشم آمد، بازاری بود که موفق شد از زیر فشار عرضه‌های آغازین بیرون بیاید و نشانه‌هایی از یک تغییر تدریجی در جو عمومی خود بروز دهد. بازار سهام در نخستین روز کاری هفته با شیبی ملایم رو به بالا به کار خود پایان داد. شاخص کل بورس با رشد ۶۶۰۰ واحدی، معادل ۰.۲۱ درصد، در سطح سه میلیون و ۱۰۵ هزار و ۳۶۴ واحد متوقف شد. شاخص کل هم‌وزن نیز عملکردی بهتر از شاخص کل داشت و با افزایش ۳۶۷۱ واحدی، معادل ۰.۴۱ درصد، به ارتفاع ۹۰۷ هزار و ۳۲۵ واحد رسید. حرکت هم‌زمان هر دو شاخص در محدوده مثبت نشان می‌دهد که معاملات بیشتر تحت‌تأثیر تقاضا بوده و بازار توانسته است فشار عرضه‌های نیمه نخست را تا حد قابل‌قبولی کنترل کند. در بخش معاملات سهام، حق‌تقدم‌ها و صندوق‌های سهامی، حجم معاملات به ۱۶.۳ میلیارد واحد رسید و ارزش معاملات نیز با ثبت رقم ۶۹۴۳ میلیارد تومان، در محدوده‌ای کمتر از میانگین روزهای اخیر قرار گرفت. این کاهش ارزش و حجم معاملات، با وجود رشد شاخص‌ها، نشانه‌ای چندان مطلوب برای فعالان بازار نیست و می‌تواند بیانگر کمبود نقدینگی یا احتیاط معامله‌گران باشد. در بخش رفتار سرمایه‌گذاران حقیقی، سرانه خرید حقیقی ۵۲.۷ میلیون تومان و سرانه فروش ۴۹.۳ میلیون تومان گزارش شد؛ موضوعی که نشان می‌دهد سمت تقاضا اندکی فعال‌تر بوده است. نسبت قدرت خرید حقیقی نیز با ثبت عدد ۱۰۰.۷ در محدوده مثبت قرار دارد و تأیید می‌کند که معامله‌گران حقیقی بخشی از نقدینگی خود را وارد خرید سهام کرده‌اند. همچنین ورود ۸۷ میلیارد تومان پول حقیقی به بازار، مؤید افزایش تدریجی حضور حقیقی‌ها در نیمه دوم معاملات است. در سمت دیگر، صندوق‌های درآمد ثابت شاهد خروج ۱۶۸۴ میلیارد تومان نقدینگی بودند. خروج سنگین پول از این صندوق‌ها معمولاً زمانی رخ می‌دهد که بخشی از سرمایه‌گذاران تصمیم می‌گیرند سرمایه خود را از ابزارهای کم‌ریسک خارج کرده و به سمت بازارهای دارای نوسان بیشتر حرکت کنند. با این حال، از آنجا که ورود پول حقیقی به بازار سهام رقم بزرگی نیست، می‌توان حدس زد که بخشی از این نقدینگی در حالت انتظار باقی مانده و بخشی دیگر ممکن است به بازارهای موازی منتقل شده باشد.

در پایان معاملات، ۴۷۶ نماد در محدوده مثبت و ۳۳۴ نماد در محدوده منفی معامله شدند. اختلاف نه‌چندان زیاد این دو عدد نشان می‌دهد که گرچه کلیت بازار روندی مثبت داشته، اما این رشد فراگیر نبوده است. وجود تعداد قابل توجه نمادهای منفی بیانگر آن است که بخشی از بازار همچنان با فشار عرضه، اصلاح قیمتی یا کمبود تقاضای مؤثر مواجه بوده است. از سوی دیگر، ارزش سفارش‌های خرید حقیقی به ۱۴۷۱ میلیارد تومان و ارزش سفارش‌های فروش به ۵۱۲ میلیارد تومان رسید. اختلاف قابل‌توجه میان این دو رقم نشان‌دهنده وجود تقاضای مؤثر در بازار است؛ هرچند مجموع ارزش سفارش‌ها نسبت به هفته گذشته کاهش یافته است. افزایش سفارش‌های خرید عموماً احتمال تداوم روند صعودی کوتاه‌مدت را تقویت می‌کند، اما بررسی دقیق‌تر روند فردا نیازمند رصد جریان نقدینگی، رفتار حقیقی‌ها و تغییرات ارزش معاملات در روز آینده خواهد بود. در پایان معاملات، ۱۳۹ نماد دارای صف خرید و ۶۷ نماد دارای صف فروش بودند. این اختلاف، نشانه‌ای از بهبود محسوس جو عمومی بازار نسبت به روزهای گذشته است. افزایش تعداد صف‌های خرید معمولاً در روزهایی دیده می‌شود که بخشی از نقدینگی به سمت نمادهای کوچک و میان‌رده حرکت می‌کند؛ موضوعی که نیز کاملاً مشهود بود و می‌تواند نشان‌دهنده افزایش ریسک‌پذیری معامله‌گران در کوتاه‌مدت باشد. در مجموع، به‌بازار با وجود ارزش معاملات نه‌چندان قوی، توانست توازن مناسبی میان عرضه و تقاضا برقرار کرده و خود را در محدوده مثبت تثبیت کند. وضعیت فردای بورس بیش از هر چیز به ادامه ورود پول حقیقی و میزان تقاضای مؤثر بستگی خواهد داشت.

توسعه

بررسی تحولات اقتصادی

غلبه بر فرسایش

راهبرد پیروزی در جنگ فایبانی علیه اقتصاد ایران چیست؟

سعید مشهوری
گروه اقتصاد

چنین تلقی می‌شود که آمریکا و اسرائیل در رویارویی با ایران به نوعی «رفتار فایبانی» در پیش گرفته‌اند. اگر این تلقی درست باشد، این معنی را می‌دهد که آنها قصد دارند اقتصاد ایران را از طریق تحریم و تزیق نااطمینانی، وارد جنگ فرسایشی کنند. در چنین شرایطی، بهترین روش برای خنثی کردن جنگ فایبانی چیست؟

راهبرد فایبان یک تاکتیک تاریخی در عرصه جنگ و سیاست است که بر «فرسایش تدریجی»، «پرهیز از نبرد مستقیم» و «کشاندن دشمن به هزینه‌های طولانی‌مدت» تکیه دارد. در این رویکرد، هدف نه پیروزی سریع، بلکه تحلیل توان اقتصادی، نظامی و روانی طرف مقابل از طریق زمان‌کشی و ضربات محدود اما مداوم است. در این چارچوب، می‌توان گفت بخشی از رفتار اسرائیل در برابر ایران شباهت‌هایی با راهبرد فایبان دارد؛ هرچند این به‌معنای اجرای کامل این دکترین نیست. اسرائیل طی سال‌های اخیر معمولاً از درگیری گسترده و روبه‌رو با ایران پرهیز کرده و به‌جای آن بر مجموعه‌ای از اقدامات نقطه‌ای، غافلگیرکننده و پا دامنه محدود تکیه کرده است؛ اقداماتی که هدفشان ایجاد هزینه پیوسته و بلندمدت برای ایران است. این الگو را می‌توان در عملیات‌های سایبری،

حملات محدود به تأسیسات و نیروهای همسو با ایران در منطقه، ترورهای هدفمند، و فشارهای اطلاعاتی و امنیتی مداوم مشاهده کرد. نقطه مشترک این اقدامات با دکترین فایبان، «هدف قرار دادن ظرفیت‌ها بدون ورود به جنگ تمام‌عیار» است. از سوی دیگر، اسرائیل کوشیده است ایران را در مدار تنش نگه دارد؛ مداری که در آن ایران ناچار است بخشی از توان اقتصادی و نظامی خود را دائماً صرف بازدارندگی، جبران خسارات، و مدیریت فضای امنیتی کند. این وضعیت دقیقاً همان چیزی است که در ادبیات نظامی به‌عنوان «فرسایش استراتژیکی» شناخته می‌شود. همچنین اسرائیل قصد دارد هزینه‌های ایران را در حوزه سیاست خارجی افزایش دهد؛ از جمله با تشدید فشارهای دیپلماتیک، تأثیرگذاری بر روندهای بین‌المللی مرتبط با پرونده هسته‌ای، و تقویت اجماع‌سازی جهانی علیه تهران. اما سوال این است، آیا این رفتارها و این میزان فشار به اقتصاد ایران را می‌شود با دکترین فایبان توضیح داد؟

برخی معتقدند به چند دلیل نمی‌توان گفت اسرائیل دقیقاً در حال اجرای («راهبرد فایبان تمام‌عیار» است. نخست آنکه رفتار اسرائیل همواره عنصر «بازدارندگی از طریق نمایش قدرت» را دربرداشته؛ عنصری که گاه به عملیات‌های بزرگ‌ترا یا پاسخ‌های پریسک منتهی شده و از فلسفه احتیاط‌جویانه فایبان فاصله دارد. دوم اینکه بازیگران متعددی در منطقه حضور دارند و تعاملات امنیتی ایران-اسرائیل در خلأ اتفاقی نمی‌افتد؛ بنابراین رفتار

دیدگاه:تحلیل اقتصادی

لبه تاریکی

بودجه ۱۴۰۵ اقتصاد را به کدام سو می‌برد؟

فریده اسکندری
تحلیلگر اقتصاد

بودجه ۱۴۰۵ در حالی از راه می‌رسد که اقتصاد ایران بر لبه‌ای باریک میان فشار و فرصت ایستاده است؛ بودجه‌ای که قرار بود آغازگر اصلاحات بزرگ باشد، اکنون بیش از هر چیز شبیه آیینه‌ای است که تناقض‌ها، تنگناها و میدان چانه‌زنی قدرت را آشکار می‌کند. دولت از «اصلاح ساختار» سخن می‌گوید، اما سایه سنگین کسری، ناترازی انرژی، تحریم و بدهی، لایحه را به میدان نبردی میان ضرورت‌های اقتصادی و محدودیت‌های سیاسی تبدیل کرده است. در چنین فضایی، هر عدد و هر تبصره نه فقط یک تصمیم مالی، بلکه انتخابی سیاسی درباره اینکه بار سنگین سال آینده را چه کسی باید بر دوش بکشد، معنا می‌یابد. به عقیده اقتصاددانان، بودجه ۱۴۰۵ از منظر اقتصاد سیاسی حامل چند پیام هم‌زمان

اسرائیل بیش از آنکه کاملاً مبتنی بر یک دکترین باشد، تابع شرایط متغیر منطقه، فشار داخلی و تحولات بین‌المللی است. در نقطه مقابل، برخی معتقدند اسرائیل در سال‌های اخیر از مؤلفه‌هایی شبیه راهبرد فایبان بهره برده، اما نه به‌صورت کامل و نه بر اساس یک طرح واحد؛ بلکه در قالب یک الگوی ترکیبی از بازدارندگی، فرسایش تدریجی و فشار چندلایه. به بیان دیگر، آنچه مشاهده می‌شود «رفتار فایبانی» است، نه لزوماً «راهبرد فایبان» به معنای کلاسیک آن.

با این توضیح پرسش این است که ایران چگونه می‌تواند بازی فایبانی اسرائیل را به هم بزند؟ اگر فرض کنیم آمریکا و اسرائیل در حال اعمال بازی فایبانی علیه ایران هستند، یعنی قصد دارند از



طریق افزایش تدریجی هزینه‌ها با تحریم، محدودسازی دسترسی به منابع مالی، ایجاد نااطمینانی در محیط کسب‌وکار و کشاندن اقتصاد به فرسایش بلندمدت، اقتصاد ایران را فرسوده و مستهلک کنند، آنگاه خنثی‌سازی این رویکرد صرفاً با ابزارهای امنیتی ممکن نیست؛ بلکه نیازمند مجموعه‌ای از اصلاحات اقتصادی است که بتواند تاب‌آوری داخلی را افزایش دهد و هزینه‌پذیری این جنگ فرسایشی را کاهش دهد. در چارچوب راهبردهای حاکم بر نظام تصمیم‌گیری، خنثی کردن بازی فایبانی، بیش از هر چیز بر بسیج منابع داخلی و مقاومت‌سازی ساختارهای دولتی تکیه دارد. در چنین الگویی، دولت می‌کوشد وابستگی اقتصاد به بیرون را کاهش دهد و آسیب‌پذیری در برابر فشار خارجی را با تمرکز تصمیم‌گیری، کنترل جریان‌های مالی و هدایت منابع به سمت تولیدحیاتی، کم کند. ابزارهای اصلی این مدل عبارت است از: تقویت بنگاه‌های بزرگ دولتی و شبه‌دولتی برای حفظ تولید در صنایع راهبردی؛ مدیریت واردات و تخصیص ارزی برای جلوگیری از شوک‌های عرضه؛ تنظیم قیمت‌ها و کنترل شبکه توزیع برای مهار تورم انتظاری؛ و توسعه زنجیره‌های تأمین داخلی به‌منظور کاهش نیاز به فناوری و مواد اولیه حساس.

در این الگو، دولت تلاش می‌کند شوک‌های خارجی را با «مداخله مستقیم» خنثی کند: از جمله استفاده از ذخایر استراتژیک، یارانه‌دادن به بخش‌های آسیب‌دیده، تنظیم بازار برای

مهار نوسان‌های شدید و به‌کارگیری پیمان‌های دوجانبه غیررسمی برای دورزدن محدودیت‌ها. همچنین با اتکا به بسیج اجتماعی و اجماع سیاسی، تلاش می‌شود هزینه‌های تحریم بین گروه‌های مختلف توزیع و مدیریت شود تا پایداری سیستم حفظ شود.

اما در چارچوب قواعد اقتصاد آزاد، اصلی‌ترین راه مقابله با رفتار فایبانی «کاهش آسیب‌پذیری ساختاری» است. تحریم و نااطمینانی زمانی اثرگذار می‌شوند که اقتصاد دچار ناترازی، انحصار، وابستگی به رانت و ضعف رقابت‌پذیری باشد. بنابراین نخستین گام، اصلاحات نهادی برای کوچک‌کردن دولت، افزایش شفافیت، حذف امتیازات رانتی و آزادسازی فضای اقتصادی است تا منابع از تخصیص سیاسی به سمت تخصیص کارای بازار حرکت کنند. اقتصادی که به‌صورت رقابتی اداره شود، در برابر شوک‌ها بسیار کم‌هزینه‌تر و منعطف‌تر واکنش نشان می‌دهد. از سوی دیگر، افزایش نااطمینانی زمانی فلیح‌کننده است که فعالان اقتصادی به دولت و قواعد بازی اعتماد نداشته باشند. بنابراین تثبیت محیط اقتصاد کلان از طریق قواعد مالی، استقلال بانک مرکزی، مهار پایه پولی و ایجاد یک چارچوب سیاستی قابل پیش‌بینی، نقش کلیدی دارد. در اقتصاد آزاد، اعتماد مهم‌ترین سپر در برابر جنگ فرسایشی است: اگر بنگاه‌ها مطمئن باشند که قواعد پایدارند، تحریم و فشار خارجی اثر تخریبی بسیار کمتری خواهد داشت. کاهش مداخله دولت در قیمت‌گذاری و تخصیص ارز نیز ضروری است. نظام چندنرخ، خود به‌تنهایی یک میدان جنگ

فرسایشی داخلی ایجاد می‌کند و تحریم‌ها را اثرگذارتر می‌سازد. حرکت به سمت نرخ واحد، آزادسازی تجاری تدریجی و اجازه‌دادن به بازار برای کشف قیمت، قدرت مانور اقتصاد را بالا می‌برد و انگیزه رانت‌جویی را کاهش می‌دهد. در کنار اینها، پیوندزدن اقتصاد به شبکه‌های جهانی از مسیرهایی که تحریم‌پذیری کمتری دارند -مانند همکاری‌های منطقه‌ای، تجارت تهازی، زنجیره‌های ارزش آسیایی، سرمایه‌گذاری مشترک با کشورهای غیرغربی- یک مسیر مکمل است. اقتصاد آزاد لزوماً به معنای گره‌خوردن کامل به اقتصاد غرب نیست؛ بلکه یعنی تنوع‌بخشی به روابط اقتصادی، تا فشار یک یا چند کشور نتواند عملکرد کل اقتصاد را مختل کند. به عقیده اقتصاددانان، مهم‌ترین راه خنثی‌سازی بازی فایبانی این است که هزینه استمرار فشار برای طرف مقابل بالا برود. این است نه با تقابل نظامی، بلکه با اصلاحات داخلی ممکن است. اقتصادی که رشد پایدار داشته باشد، تورم کنترل‌شده ارائه دهد، بودجه متوازن‌تری داشته باشد و سرمایه‌گذاری خارجی و داخلی در آن رشد کند، امکان فرسایش ندارد؛ زیرا طرف مقابل می‌بندد که فشارها نهایتاً تأثیر حداقلی دارند، بلکه به بازآرایی اقتصاد منجر شده‌اند. خنثی‌سازی جنگ فرسایشی تنها از مسیر تقویت اقتصاد رقابتی، آزاد و پیش‌بینی‌پذیر ممکن است؛ اقتصادی که به‌جای آسیب‌پذیری، اعطاف‌پذیری تولید می‌کند و هزینه فشار خارجی را بالا می‌برد.

مجلس و دولت شده، اما این نیز ممکن است در عمل به معنای کاهش شفافیت و فضای برای اعمال فشار عمومی یا نظارتی باشد هم‌زمان، دولت چهاردهم رسماً اعلام کرده که اصلاح ساختاری بودجه اولویت اولش است: هدف «پایداری مالی»، کاهش وابستگی به منابع ناپایدار مانند نفت و اوراق بدهی و بازطراحی سیاست‌های هزینه‌ای دیده می‌شود. اما چالش اصلی بر سر پیش‌بینی کسری بودجه و نحوه تأمین آن است؛ در بودجه‌نویسی قبلی، بدهی دولت افزایش یافته و استفاده از منابع بلندمدت برای جبران کسری‌های کوتاه‌مدت پررنگ شده بود. اگر این روند ادامه یابد، فشار بدهی در آینده سنگین‌تر خواهد شد و بار اقتصادی و سیاسی را بر دوش دولت آینده خواهد گذاشت. از منظر تورم، تحلیلگران در مرکز پژوهش‌های مجلس، سه سناریو برای بودجه ۱۴۰۵ مطرح کرده‌اند: اگر تحریم‌ها رفع شوند، رشد اقتصادی بالا و تورم کاهش می‌یابد، اما اگر وضعیت تحریم بدتر شود یا ثابت بماند، تورم ممکن است به سطح بالایی برسد و رشد اقتصادی کند بماند. با این توضیحات بودجه ۱۴۰۵ می‌تواند فرصتی مهم برای بازگشت به مسیر توسعه پایدار باشد، اما تحقق این امر مستلزم مدیریت دقیق، شفافیت در درآمدها و هزینه‌ها و اصلاح ساختاری ریشه‌ای است. بدون این اصلاحات، بودجه ممکن است به ابزاری موقتی برای مدیریت بحران تبدیل شود، نه محرکی برای تحول اقتصادی واقعی.

به دنبال ستاره

۱۰ روز از گم‌شدن ستاره حیدری دختر ۱۷ساله آبادانی گذشت پدر او در گفت‌وگو با سازندگی از چگونگی گم‌شدن دخترش می‌گوید

گروه اجتماعی: ستاره حیدری، دختر ۱۷ ساله‌ای که از آبادان برای خرید از خانه خارج شده بود، دیگر بازنگشت. خانواده او اعلام کردند که آخرین بار ساعت ۸ شب‌جمعه ۱۵ آبان ماه، او را از درِ خانه تا مغازه دیده‌اند و پس از آن اثری از او در دست نیست. انتشار این خبر و تصاویر ستاره در شبکه‌های اجتماعی، موجی از همدلی و نگرانی ایجاد کرد.

مطابق روایت خانواده، ستاره عصر پنج‌شنبه برای خرید لوازم‌التحریر از منزل خارج شد. پدرش در گفت‌وگو با رسانه‌ها توضیح داد که دخترش پس از خرید کارت بانکی را کشید و از فروشگاه بیرون آمد. او می‌گوید به علت تاریکی هوا، تصاویر دوربین‌های مداربسته فروشگاه واضح نیست و فقط می‌توان دید که ستاره وارد خیابان «امیری» می‌شود. در تصاویر مبهم‌تری که خانواده بررسی کرده‌اند، جوانی ناشناس پشت سر او حرکت می‌کند سپس در نقطه‌ای دیگر توقف می‌نماید. در همان لحظه خودرویی در کنار خیابان دیده می‌شود و ظاهراً دختر را سوار می‌کنند. این رویداد در کمتر از دو دقیقه رخ داده و به گفته پدر هیچ یک از رهگذران توانسته‌اند، جزئیاتی را به‌طور قطع بیان کنند.

پس از مفقودی، خانواده به کمک دوستان و بستگان‌شان، دوربین‌های اطراف مسیر را بررسی کردند و با حکم قضایی تصاویر دوربین‌های بانک‌های مسیر نیز در حال بازمینی است. پدر ستاره می‌گوید که همان شب پس از قطع شدن تماس تلفن همراه دخترش، موضوع را به کلانتری و پلیس آگاهی گزارش داده و پرونده‌ای تشکیل داده است. او پیگیری‌های گسترده‌ای را برای دسترسی به فیلم‌های بانک‌ها و فروشگاه‌ها انجام داده و تأکید دارد که نیروهای آگاهی، روزانه در حال کار روی این پرونده هستند. خانواده با انتشار تصاویر و اطلاعات در شبکه‌های اجتماعی از مردم خواسته‌اند هر گونه سرنخی را به مراجع انتظامی اطلاع دهند.

پدر ستاره حیدری، کارمند شرکت نفت در گفت‌وگو با سازندگی می‌گوید: دخترم با کسی در ارتباط نبوده و تنها یک دوست داشجو داشته است. او درباره روز حادثه می‌گوید: دخترم به مغازه لوازم‌التحریر رفته بود و ساعت ۳:۱۰ کارت کشیده بود، دوربین‌ها نشان می‌دهد تا مسیری را رفته اما از جایی به بعد ناپدید شده است.

او در پاسخ به این پرسش که آیا به داخل ماشینی کشیده

محیط زیست

ورشکستگی آبی ایران

چرا هشدارهای کاوه مدنی فعال محیط زیست و معاون سابق این سازمان جدی گرفته نشد؟

همچنین او یادآور شد که بیش از ۹۰ درصد از مصرف آب کشور در بخش کشاورزی است و این واقعیت، همگان را به فکر وادار می‌کند که چگونه می‌توانند، مصرف آب را بهینه کنند.

پدیده‌هایی که نمی‌توانند به بحران آب دامن بزنند

در مصاحبه، مدنی به سوالات دیگری که در جامعه مطرح شده نیز پاسخ داد از جمله اینکه آیا امکان دارد، کشورهای همسایه یا حتی دشمنان ایران باعث کاهش بارش‌ها و بحران آب شوند. او با رد این فرضیه بیان کرد که از دیدگاه علمی چنین چیزی ممکن نیست. به گفته وی، مسائل مربوط به تغییرات اقلیمی و خشکسالی‌های جهانی، عوامل اصلی این بحران هستند و به هیچ عنوان نمی‌توان آنها را به دستکاری‌های خارجی نسبت داد. مدنی افزود: «اگر فرض کنیم دشمنان ایران چنین قدرتی دارند، مثلاً اسرائیل، باید پرسید چرا اسرائیل که خود با بحران آب روبه‌روست از این‌ توانایی برای بارش

فائزه مومنی
گروه اجتماعی

کاوه مدنی، معاون سابق سازمان حفاظت محیط زیست و فعال شناخته شده در حوزه محیط زیست در مصاحبه‌ای با علی ضیا در خصوص بحران آب در ایران از مشکلاتی سخن گفت که در سال‌های گذشته، هشدارهای زیادی در مورد آنها داده بود. او همچنین به تحلیل وضعیت فعلی ایران در بحران منابع آبی پرداخته و راهکارهای موجود برای عبور از این بحران را مورد بررسی قرار داد.

ورشکستگی آبی؛ واقعیتی تلخ که دیر به آن رسیدیم

کاوه مدنی در ابتدای مصاحبه یادآور شد که در شورای عالی آب، زمانی که هنوز نسبت به مشکلات آبی ایران بی‌توجهی می‌شد، او هشدارهای جدی نسبت به بحران آب داد. او گفته که در آن جلسات، از جمله زمانی که در کنار وزرای مختلف نشسته بود، به موضوع ورشکستگی آبی اشاره کرده است. اما در همان لحظات، یکی از مسئولان در آن جلسه به او گفته بود که «جوان، این حرف‌ها را زن.» این پیش‌بینی‌ها، که از نظر بسیاری شاید در آن زمان مبالغه‌آمیز به نظر می‌رسید، امروز به واقعیت تلخی تبدیل شده است. مدنی این شرایط را «ورشکستگی آبی» توصیف کرده و بر این باور است که بحران آبی که امروز ایران با آن مواجه است، چیزی فراتر از یک بحران معمولی است و به نقطه‌ای رسیده‌ایم که جبران برخی از خسارت‌ها تقریباً غیرممکن است.

مردم چه باید بکنند؟

در ادامه، کاوه مدنی به یکی از پرتکرارترین سوالات مردم در شبکه‌های اجتماعی اشاره کرد: «ما مردم چه کاری می‌توانیم، انجام دهیم؟» او با بیان اینکه در زمان حضورش در سازمان محیط زیست این سوالات را از مردم شنیده بود، اشاره کرد که متأسفانه نبود گفت‌وگوی شفاف در این زمینه موجب سردرگمی و آشفتگی مردم شده است. مردم، به گفته مدنی، حتی برای سوالاتی ساده مانند «آیا واقعاً آب‌رها را دزدیده‌اند؟» یا «آیا مازوت‌سوزی باعث کاهش بارش‌ها می‌شود؟» پاسخی روشن ندارند. وی معتقد است که برای حل بحران آب در کشور باید مصرف آب را کاهش داد و به مردم آگاهی داد که چگونه می‌توانند در این زمینه موثر واقع شوند.



می‌شود یا نه؟ می‌گوید: نه، دوربین‌ها چیزی را نشان ندادند. دخترم با کسی هم در ارتباط نبوده، اگر می‌دانستم که خودم پیگیر می‌شدم. دخترم تنها یک دوست دارد که دانشجوی است و از روز حادثه به بعد پیگیر شده و به ما کمک کرده است.

پدر ستاره اضافه می‌کند: آگاهی اعلام کرده در حال چک کردن دوربین‌هاست، هر روز به آگاهی می‌روم و هنوز هیچ چیز به من اعلام نکردند. مادرش حال خوبی ندارد. آن روز با مادرش بیرون رفته بود که بعد از اینکه خودش برای خرید می‌رود، ناپدید می‌شود. دختر من محدود نبود و بیرون می‌رفت اما زمانش دست خودش بود. ستاره تنها دختر من است حالا از پنج‌شنبه هفته گذشته تاکنون خبری از اون نیست و حال ما

راهکارهای فوری و ساختاری برای بحران آب

کاوه مدنی در این مصاحبه به راهکارهای فوری و ساختاری برای حل بحران آب اشاره کرد. او تأکید کرد که برای عبور از وضعیت کنونی، نخست باید مصرف آب در بخش‌های مختلف کاهش یابد و مدل‌های توسعه به‌طور کلی تغییر کند. وی همچنین به تجربیات دیگر کشورها اشاره کرد و گفت: «کشورهایی مثل اسرائیل توانسته‌اند با استفاده از تکنولوژی‌هایی همچون شیرین‌سازی آب و تصفیه سبب‌ها بحران آب را مدیریت کنند. این فناوری‌ها در ایران هم قابل استفاده هستند».

نقدی به شیوه‌های توسعه در ایران

مدنی در بخش دیگری از مصاحبه به نقد شیوه‌های توسعه‌ای ایران در خصوص منابع آبی و کشاورزی پرداخت. او با اشاره به استفاده نادرست از منابع آبی برای کشت محصولات استراتژیک کم ارزش، مانند گوجه و خیار، گفت: «با آب تجدیدنپذیر بادمجان، گوجه و خیار می‌کارند که هیچ ارزش استراتژیک بالایی ندارند». او این نوع توسعه را نه تنها غیراقتصادی بلکه به نوعی خیانت به منابع آبی کشور دانست و افزود که سیاست‌های گذشته در خصوص کشاورزی و تخصیص منابع آبی باید به طور جدی مورد بازنگری قرار گیرد.

چشم‌اندازی تاریک اما قابل اصلاح

در پایان، مدنی تأکید کرد که بحران آب در ایران به مرحله‌ای بسیار حساس و سخت رسیده است. او با اشاره به اینکه وضعیت آب ایران دیگر بحران نیست بلکه به مرحله ورشکستگی رسیده، افزود: «ما باید قبول کنیم که وضعیت موجود ناشی از سیاست‌های اشتباه گذشته است و تنها از طریق اصلاحات جدی می‌توانیم به یک راحل واقعی دست پیدا کنیم». اگرچه چشم‌انداز آینده برای ایران در زمینه منابع آبی چندان امیدوارکننده نیست اما مدنی بر این باور است که با پذیرش واقعیت‌ها و تغییر سیاست‌ها، می‌توان بحران آب را مدیریت کرده و شرایط زندگی مردم را بهبود بخشید.



در کشور خود استفاده نمی‌کند؟» او همچنین اشاره کرد که تغییرات اقلیمی و دستکاری در محیط زیست، عوامل واقعی هستند که به کاهش بارش‌ها و بحران آب منجر شده است.

پذیرش ورشکستگی آبی؛ راهی به سوی اصلاحات

یکی از مهم‌ترین بخش‌های مصاحبه زمانی بود که مدنی در مورد پذیرش واقعیت بحران آب و «ورشکستگی آبی» صحبت کرد. او تأکید کرد که اگر ایران بخواهد از این بحران عبور کند باید به جای انکار واقعیت‌ها، وضعیت موجود را پذیرفت و اصلاحات جدی را آغاز کرد. او معتقد است که مدل‌های مدیریتی فعلی که در گذشته برای استفاده از منابع آبی طراحی شده بودند، دیگر پاسخگو نیست و باید آنها را تغییر داد. مدنی

بسیار خراب است، البته پلیس قول پیگیری داده است.

واکنش مقامات قضایی و پلیس

دکتر روح‌الله زندی، دادستان عمومی و انقلاب آبادان، دیروز درباره این پرونده توضیحاتی ارائه کرد. او اعلام کرد که در رابطه با مفقودی ستاره حیدری، پرونده قضایی تشکیل شده و با توجه به ردیابی‌های انجام شده و بررسی دوربین‌های مدار بسته، مشخص شده است که این نوجوان حوالی یکی از مناطق شهرستان مفقود شده است. دادستان گفت که به دستور قضایی پرونده جهت رسیدگی تخصصی به پلیس آگاهی آبادان ارجاع شده و پلیس از ابتدای تشکیل پرونده، اقدامات و تحقیقات گسترده‌ای انجام داده است. او تأکید کرد که پرونده به صورت ویژه در حال رسیدگی است و نتیجه تحقیقات پس از یافتن فرد مورد نظر اعلام خواهد شد. دادستان همچنین به شهروندان توصیه کرد که به شایعات و اخبار کذب توجه نکنند و اخبار رسمی را از منابع معتبر دنبال کنند.

چارچوب حقوقی

در حقوق کیفری ایران، ربودن یا مخفی کردن اشخاص به قصد مطالبه مال، انتقام یا هر منظور دیگری، جرم محسوب می‌شود. مادهٔ ۶۲۱ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مقرر می‌دارد که اگر کسی شخصی را به زور، تهدید یا حیلۀ برآید یا مخفی کند به حبس درجهٔ ۴ یا ۵ محکوم می‌شود؛ اگر سن مجنی‌علیه کمتر از ۱۵ سال باشد یا ربودن با وسیلهٔ تقلیه انجام شود یا به قربانی آسیب جسمی یا حیثیتی وارد شود، مرتکب به حداکثر مجازات محکوم خواهد شد. هرچند ستاره حیدری ۱۷ سال دارد و مادهٔ مذکور در خصوص افراد زیر ۱۵ سال تشدید مجازات را پیش‌بینی کرده است اما استفادهٔ احتمالی از وسیلهٔ تقلیه و ایجاد خطر برای جان و حیثیت او نیز می‌تواند موجب تشدید مجازات عاملان شود.

دیدگاه: یادداشت اجتماعی

گامی به سوی توسعه پایدار

سرمایه‌گذاری و مشارکت شهروندان در بافت تاریخی

علیرضا نقوی
مشاور شهردار یزد

بافت‌های تاریخی نه تنها میراثی از گذشتگان بلکه سرمایه‌ای زنده برای آینده‌اند که می‌توانند موتور توسعه پایدار، رونق اقتصادی و تقویت هویت شهری باشند. مشارکت شهروندان در این بافت‌ها می‌تواند به احیا و بازآفرینی آنها کمک کرده و یک محیط پویا برای زندگی، گردشگری و کسب‌وکار ایجاد کند. این مشارکت نه فقط به شکل مالی بلکه شامل همکاری‌های فکری، فرهنگی و اجتماعی است. مشارکت شهروندان در بافت‌های تاریخی به چندین بعد کلیدی اشاره دارد: ایجاد حس تعلق، فعال‌سازی اقتصاد محلی و تضمین استمرار نگهداری و احیا. در مطالعات مختلف مشخص شده است که حضور فعال شهروندان در فرآیندهای بازسازی و احیا به نتایج پایدارتری می‌انجامد. همچنین مشارکت شهروندان باعث می‌شود که تصمیم‌ها انعطاف‌پذیرتر باشند و نیازها و ظرفیت‌های محله بهتر شناسایی شود. شهرهای تاریخی ایران همچون یزد، اصفهان، شیراز و تبریز نه تنها دارای آثار تاریخی هستند بلکه شبکه‌ای زنده از فرهنگ و هنر به شمار می‌روند. توسعه پایدار در این شهرها تنها زمانی تحقق می‌یابد که حفظ میراث فرهنگی، پویایی اقتصادی و بهبود کیفیت زندگی شهروندان به‌طور هم‌زمان مورد توجه قرار گیرد. این سه عامل باید از طریق مشارکت آگاهانه شهروندان و هم‌افزایی نهادهای مدنی و شهری شکل بگیرد. مشارکت شهروندان در بازآفرینی بافت تاریخی به ویژه در پروژه‌های بوم‌گردی، بازسازی خانه‌های تاریخی و فعالیت‌های فرهنگی به سرعت انجام شده و باعث تحول در هویت و اقتصاد محله‌ها می‌شود. شهروندان باید در تصمیم‌گیری‌های شهری شریک شوند تا با بهره‌گیری از دانش و تجربه محلی، راهکارهای مؤثری برای حفظ و توسعه بافت‌های تاریخی ارائه دهند. مجمع شهرهای تاریخی ایران، نقشی کلیدی در این زمینه دارد و می‌تواند بستری برای تبادل تجربیات میان مدیران شهری، متخصصان و شهروندان فراهم آورد. این مجمع می‌تواند از طریق کمیسیون‌های تخصصی و برگزاری نشست‌های آموزشی، زمینه‌های همکاری و مشارکت فعال شهروندان در پروژه‌های احیا را تسهیل کند. در نهایت، سرمایه‌گذاری در بافت‌های تاریخی زمانی موفق است که علاوه بر تزریق مالی به توانمندسازی محلی و مشارکت شهروندان در فرآیندهای تصمیم‌گیری و بهره‌برداری نیز توجه شود. مشارکت فعال شهروندان نه تنها به حفظ این بافت‌ها کمک می‌کند بلکه آنها را به مکانی برای زندگی، کسب‌وکار و فرهنگ بدل می‌کند.

سازندگی: روزنامه سیاسی و اجتماعی • صاحب امتیاز: حزب کارگزاران سازندگی ایران • مدیرمسئول: امیر اقتناعی • سردبیر: اکبر منتجبی
زیر نظر شورای سیاست‌گذاری: سیدحسین مرعشی (رئیس)، محمد عطر یازفر، محمد قوچانی، علی هاشمی، سیدعلیرضا سیاسی‌راد، امیر اقتناعی

مدیر هنری: رضا دولت‌زاده • عکس: رضا معطریان • ویراستار: سعیده آری‌فر • نشانی: تهران، پاسداران، نگارستان پنجم، پلاک ۸، تلفن: ۲۲۸۴۱۲۶۲ • چاپ: امید نشر ایرانیان: ۹-۸۸۵۳۷۱۶۸ • توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۳۰۰۰

گزارش ویژه

تاکید بر آموزش، پشتیبانی و استانداردسازی در مگا پروژه برگردان مخابرات منطقه گلستان

در راستای اجرای دقیق و کیفی مگا پروژه برگردان بر ارتقای سطح آموزش، بهبود خدمات پس از فروش و اجرای کابل کشی استاندارد تأکید شد. به گزارش روابط عمومی مخابرات منطقه گلستان، در جلسه کنترل پروژه برگردان که با حضور مهندس بهرام عیدی سرپرست برگزار شد، موضوعات مرتبط با بهبود کیفیت اجرا و سرعت بخشیدن مورد بررسی قرار گرفت. سرپرست مخابرات منطقه گلستان با اشاره به اهمیت ارائه خدمات پایدار و مطلوب به مشترکین بر لزوم تقویت خدمات پس از فروش و پشتیبانی مناسب و به موقع توسط کارشناسان مجرب و متخصص تأکید کرد. وی افزود: آموزش دقیق و مستمر کارکنان در حوزه‌های فروش و پشتیبانی از الزامات اجرای موفق این مگا پروژه است. مهندس بهرام عیدی همچنین بر ضرورت اجرای کابل کشی استاندارد توسط پیمانکاران تأکید و خواستار بازنگری و ابلاغ دستورالعمل به عوامل اجرایی شد. وی در ادامه با اشاره به اهمیت انگیزه‌بخشی در جامعه از تعریف مکانیسم‌ها و فرآیندهای تشویقی برای تغییر تکتولوژی سرویس‌های مخابراتی، افزود: ایجاد سازوکارهای هدفمند تشویقی، می‌تواند روند توسعه شبکه‌های نوین ارتباطی را تسریع کند. در پایان جلسه ضمن بررسی عملکرد واحدهای اجرایی، تصمیماتی برای ارتقای هماهنگی بین بخش‌های مختلف و بهبود فرآیندهای کنترل پروژه اتخاذ شد.

اجرای پروژه برگردان مس به فیبر نوری

سرپرست مخابرات منطقه گلستان از هزینه یک‌هزار میلیارد تومانی پروژه برگردان از مس به فیبر نوری در مرکز استان خبر داد. به گزارش روابط عمومی مخابرات منطقه گلستان، مهندس بهرام عیدی که در حاشیه برگزاری کنفرانس ملی مخابرات کشور در هتل المپیک تهران سخن می‌گفت: از هزینه یک‌هزار میلیارد تومانی مگا پروژه برگردان در مرکز استان خبر داد و این پروژه را افتخاری برای مجموعه مخابرات کشور برشمرد. سرپرست مخابرات منطقه گلستان گفت، اجرای پروژه برگردان در دو شهر گرگان و گنبد در دستورکار قرار گرفته و در مجموع، چهار مرکز در گرگان و دو مرکز در گنبد برای اجرای این طرح پیش‌بینی شده است. وی با اشاره به اهمیت این طرح افزود: برآورد هزینه اجرای پروژه در شهر گرگان حدود هزار میلیارد تومان است و در این راستا مذاکراتی با پیمانکاران انجام شده تا کار با سرعت بیشتری پیش برود. مهندس بهرام عیدی برگزاری کنفرانس ملی مخابرات را عامل انگیزشی مضاعف برای اجرای این مگا پروژه دانست و گفت: این همایش انگیزه مضاعفی به ما داد تا با قدرت و سرعت بیشتر پروژه برگردان را دنبال کنیم و ما پیش از برگزاری کنفرانس نیز آغازگر این طرح در استان بودیم و اکنون مصمم‌تریم تا آن را به بهترین شکل به سرانجام برسانیم. سرپرست مخابرات منطقه گلستان با اشاره به برنامه‌ریزی گسترده برای اجرای پروژه ملی برگردان از استان از آغاز این طرح در شهرهای گرگان و گنبد خبر داد و گفت: این پروژه با هدف جایگزینی کابل‌های مسی با فیبر نوری در حال اجراست و تلاش می‌شود با همکاری پیمانکاران، روند کار تسریع شود.

توسعه با اجرای طرح برگردان در مخابرات

توسعه بیش از پیش استان با اجرای طرح برگردان در مخابرات منطقه گلستان اتفاق خواهد افتاد. به گزارش روابط عمومی مخابرات منطقه گلستان، مهندس بهرام عیدی که در جلسه بررسی پیشرفت مگا پروژه برگردان مرکز استان سخن می‌گفت: با اشاره به اهمیت برگردان مس به فیبر نوری و برشمردن مزایای آن، این طرح را در توسعه بیش از پیش استان اثرگذار دانست. سرپرست مخابرات منطقه گلستان با تأکید بر سرعت بخشیدن به اجرای این پروژه عظیم گفت: تهیه و تأمین به موقع تجهیزات، افزایش تعامل و همکاری‌های بین‌بخشی، اطلاع‌رسانی و تبلیغات و آموزش پیمانکاران از عوامل موثر در پیشبرد این پروژه خواهد بود و از همکاران مشغول به فعالیت مگا پروژه برگردان خواست با تلاش مضاعف، موانع را برطرف و نسبت به اجرای این طرح همت بیش از پیش به کار بندند.

آگهی

آگهی فقدان سند مالکیت

نظر به اینکه آقای محمد عطاخانی بعنوان مالک با تسلیم دو برگ استشهادیه محلی مصدق شده طی شناسه یکتا به شماره ۲۶۸۷۸۰۰۰۰۳۶/۴۰۲۱۵۳۷۳۰۰۰۰۰۰۰ مورخ ۲۲۶۸۷۸ مورخ ۱۴۰۴/۰۲/۰۶ توسط دفترخانه اسناد رسمی شماره ۱۴۲۳ حوزه ثبتی تهران و برگ تقاضا به شماره وارده ۱۰۷۸۰۰۸۹۱۹ مورخ ۱۴۰۲/۰۲/۱۱ مدعی فقدان سند مالکیت سه دانگ یک دستگاه باب مغازه واقع در طبقه ۱ بمساحت ۲۰/۴ متر مربع قطعه ۲۴۸ تفکیکی به پلاک ثبتی ۳۶۰۹۹ فرعی از ۲ اصلی مفروز و مجزی شده از پلاک ۴۰۹۹۸ فرعی از اصلی مذکور واقع در بخش ۱۲ تهران با قدرالسهم از عرصه و سایر مشاعات و مشترکات طبق قانون تملک آپارتمانها و این نامه اجرائی آن که بنام آقای محمد عطاخانی برابر شماره چاپی ۷۹۷۷۴۶ ه ۹۱ ثبت و صادر و تسلیم گردیده و برابر سند قطعی شماره ۳۶۲۶۸ مورخ ۱۳۹۲/۱۲/۰۱ دفترخانه شماره ۷۱۱ شهر تهران به آقای محمد عطاخانی منتقل گردیده است و نامبرده با اعلام مفقودی به علت اسباب کشی درخواست المثنی سند مالکیت پلاک موصوف را نموده است.

لذا مراتب در اجرای ماده ۱۲۰ آیین نامه قانون ثبت فقط در یک نوبت در یک روزنامه کثیرالانتشار آگهی می شود تا چنانچه کسی ادعای انجام معامله نسبت به ملک مذکور و یا وجود اصل سند مالکیت نزد خود را داشته باشد از تاریخ انتشار این آگهی ظرف مهلت ۱۰ روز اعتراض خود را به انضمام اصل سند مالکیت به این منطقه ارائه نماید تا مورد رسیدگی قرار گیرد بدیهی است اصل سند مالکیت پس از رویت و ملاحظه به ارائه دهنده اعاده خواهد شد لیکن به اعتراض بدون ارائه اصل سند مالکیت ترتیب اثر داده نمی شود. در صورت عدم وصول واخواهی ظرف مهلت مقرر قانونی المثنی سند مالکیت پلاک مرقوم صادر و به متقاضی تسلیم خواهد گردید.

مدیر واحد ثبتی حوزه ثبت ملک یافت آباد تهران
— خداداد بشیری

آگهی فراخوان مناقصه عمومی یک مرحله ای /یکپار چه

شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی در نظر دارد خدمات مورد نیاز خود را با شرایط ذیل بصورت برگزاری مناقصه عمومی یک مرحله ای از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (سامانه ستاد) تأمین نماید:

شماره فراخوان در سامانه ستاد ایران	۲۰۰۴۰۹۶۳۳۴۰۰۰۰۴۸
شماره مناقصه	۱۴۰۴/۱۱۱۹
موضوع مناقصه	انجام خدمات عمومی و پشتیبانی و تنظیفات اماکن داخلی پالایشگاه اول
مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار	۹۸.۲۱۵.۵۹۸.۰۰۰ ریال
نوع تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار	به صورت یکی از تضامین قابل قبول وفق آیین نامه تضمین معاملات دولتی شماره ۱۳۳۴۰۲/ت۵۰۶۵۹ت۹۴/۰۹/۲۲ هیأت وزیران و موارد مندرج در سامانه ستاد
میزان و نوع تضمین پیش پرداخت	۱۵ درصد مبلغ اولیه پیمان در ازای اخذ تضمین معتبر مطابق آیین نامه تضمین معاملات دولتی به شماره ۱۳۳۴۰۲/ت۵۰۶۵۹ت۹۴/۰۹/۲۲ هیئت محترم وزیران و شرایط مندرج در اسناد مناقصه
مبلغ برآوردی انجام خدمات	۴.۰۵۵.۷۷۹.۸۶۴.۱۳۱ ریال
آخرین مهلت دریافت اسناد ارزیابی کیفی و اسناد مناقصه در سامانه ستاد	مطابق با برنامه زمان بندی اعلام شده در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد ایران) می باشد
آخرین مهلت بازگذاری و ارسال مستندات ارزیابی کیفی تکمیل شده و پیشنهاد مالی در سامانه ستاد	مطابق با برنامه زمان بندی اعلام شده در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد ایران) می باشد
گواهی نامه های مورد نیاز جهت ارزیابی صلاحیت مناقصه گران	مطابق با اسناد استعلام ارزیابی کیفی بازگذاری شده در سامانه ستاد می باشد.
آدرس مناقصه گراز	استان بوشهر شهرستان عسلویه - شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی - پالایشگاه اول - ساختمان اداری - طبقه همکف - تلفن: ۰۷۷۳۱۳۱۴۰۶

بدیهی است کلیه فرآیند برگزاری مناقصه الکترونیکی از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (سامانه ستاد) به نشانی WWW.SETADIRAN.IR انجام می پذیرد و به پیشنهاد های خارج از سامانه ستاد هیچگونه ترتیب اثری داده نخواهد شد و مناقصه گران بایستی نسبت به ثبت نام در سامانه ستاد و دریافت گواهی امضاء الکترونیکی اقدام نمایند.

مناقصه گران می توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر به سایت WWW.SPGC.IR مراجعه و یا با شماره تلفن‌های ۴۶۹۹-۴۱۸۲-۴۶۹۷-۰۷۷۳۱۳۱۴ تماس حاصل فرمایند.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۸/۲۴ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۸/۲۵

روابط عمومی شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی

شناسه آگهی ۲۰۵۰۲۲۵

نوبت اول

آگهی مناقصه عمومی – دو مرحله‌ای همراه با ارزیابی کیفی شماره ۵۵–۱۴۰۴/۱ شماره ثبت سامانه تدارکات دولت «ستاد»: ۲۰۰۴۰۰۱۲۲۴۰۰۰۰۵۷



شرکت برق منطقه ای مازندران و گلستان

شرکت برق منطقه‌ای مازندران در نظر دارد خرید سیم‌های پر ظرفیت و محافظ‌هایی حاوی فیبر نوری خط ۲۳۰ کیلوولت تک‌مداره جایکسر – تنکابن و محافظ‌هایی حاوی فیبر نوری پروژه‌های دیسپاچینگ و مخابرات برابر شرایط ذیل و بشرح مشخصات و اطلاعات مندرج در اسناد مناقصه به مناقصه گر واجد شرایط واگذار نماید. لازم به ذکر است کلیه فرآیندهای برگزاری مناقصه از دریافت اسناد تا ارائه پیشنهاد و همچنین گشایش پاکات ، مطابق فرآیند تعریف شده در بستر سامانه تدارکات الکترونیک دولت به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد.

الزامات مورد نیاز	۱- ارائه گواهی معتبر بابت مجوز تولید/ساخت/واردات /نماینده‌گی مجاز محصول مورد پیشنهاد. ۲- ارائه اسناد و گواهی‌نامه‌های معتبر در خصوص استانداردهای تولید و گواهی مطابقت با استاندارد از شرکت توانیر
مبلغ ضمانتنامه	(شرکت در فرآیند ارجاع کار) ۴۲/۸۴۲/۷۰۴/۲۳۸ ریال معادل «چهل و دو میلیارد و هشتصد و شصت و سه میلیون و هفتصد و چهار هزار و سیصد و بیست و هشت ریال تمام»
نوع ضمانتنامه	تضمین های معتبر (شامل فیش واریزی (وجه نقد)، ضمانتنامه بانکی،...) مطابق آیین نامه تضامین دولتی مصوبه هیأت وزیران بشماره ۱۳۳۴۰۲/ت۵۰۶۵۹ت۵۰۶ مورخ ۱۳۹۴/۹/۲۲ و اصلاحیه‌های بعدی آن (مندرج در اسناد مناقصه).
محل دریافت و ارسال اسناد:	سامانه «تدارکات الکترونیک دولت (ستاد)» به آدرس www.setadiran.ir
زمان دریافت اسناد:	از ساعت ۰۹:۰۰ روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۲۵ الی ساعت ۱۹:۰۰ روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۲۸.
مهلت ارسال پیشنهاد	تا ساعت ۱۵:۲۵ روز پنجشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۱۳.
زمان گشایش پاکات:	ساعت ۰۸:۳۰ صبح روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۱۶.
قیمت پایه مناقصه:	۲۱۶/۴۱۵/۲۸۸/۱۸۵ ریال معادل «یکهزار و دویست و هشتاد و هشت میلیارد و یکصد و هشتاد و پنج میلیون و دویست و شانزده هزار و چهارصد و پانزده ریال تمام» مطابق فهرست بهاء ۱۴۰۴

به پیشنهادهای فاقد سپرده، سپرده های مخدوش، سپرده های کمتر از میزان مقرر، چک شخصی و نظایران که مغایر با آیین نامه مذکور باشد، ترتیب اثر داده نخواهد شد. همچنین به پیشنهادهای فاقد امضاء، مشروط، مخدوش و پیشنهادهائی که بعد از موعد مقرر در اسناد واصل شوند مطلقاً ترتیب اثر داده نخواهد شد. سایر اطلاعات و جزئیات مربوطه در اسناد مناقصه مندرج میباشد. مراتب در سایت معاملات توانیر به آدرس <https://wamp.tavanir.org.ir/tender/main> صرفاً جهت اطلاع رسانی درج گردیده است.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۸/۲۵ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۸/۲۷

روابط عمومی شرکت برق منطقه ای مازندران و گلستان

شناسه آگهی ۲۰۴۹۲۰۷

نوبت دوم

FR-CO-37/00



شرکت ملی گاز ایران

شرکت گاز استان کرمانشاه

(شاه‌های خانی)

فراخوان مناقصه عمومی همزمان با ارزیابی کیفی (یک مرحله‌ای)

شرکت گاز استان کرمانشاه در نظر دارد مناقصه عمومی به شماره ۲۰۰۴۰۰۱۳۳۹۰۰۰۰۵۵ را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید.
موضوع مناقصه: گازرسانی به محور بانی هو (قالیچه ۵)
شرکت‌های متقاضی دارای گواهی نامه صلاحیت پیمانکاری در رشته های نفت و گاز و تاسیسات و تجهیزات توانمن می توانند در صورت داشتن ظرفیت مجاز کاری ، کلیه مراحل برگزاری مناقصه اعم از دریافت اسناد مناقصه تا ارائه پیشنهاد مناقصه گران و بازگشایی پاکت ها را از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) پیگیری نمایند.
لازم است مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی از جهت شرکت در مناقصه محقق سازند.
برآورد صورت گرفته جهت انجام پروژه: ۲۰۳.۳۹۵.۳۰۹.۷۶۱ ریال.
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۸/۲۵

روابط عمومی شرکت گاز استان کرمانشاه

@saazandeginews
saazandeginews
www.saazandegi.ir

سازندگی